

### فهرست مطالب

- 1.....چه کسانی نمایندگان واقعی کارگران هستند
- 5.....مصاحبه سایت شورا با نمایندگان منتخب کمیته پیگیری
- 17.....نامه حمایتی کنگره کار کانادا از کمیته پیگیری
- 18.....محیط های ناامن کار و مرگ کارگران
- 19.....16 روزی که برما و خانواده هایمان به سختی گذشت
- 26.....اعتصاب حق ماست
- 29.....ILO یا نعل خوشبختی کارگران
- 32.....فاجعه دستمزدها
- 34.....یک حزب کارگری
- 37.....کوتاه از زبان رسمی آمار
- 38.....اخبار کارگری ایران و جهان
- 45.....روابط کالایی در خانواده

بولتن شورا، یک نشریه کارگری است که توسط جمعی از فعالین کارگری منتشر می شود. مسئولیت مقالات چاپ شده در این بولتن بر عهده نویسندگان آن می باشد. اخبار کارگری مندرج در این بولتن به نقل از نشریات رسمی کشور است.

## متن نامه کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران

وزارت کار و امور اجتماعی

سازمان‌های کارگری در سراسر جهان

سازمان بین‌المللی کار ILO

امروزه در ایران حدود نیمی از کارگران با قراردادهای موقت کار و حتی با برگه‌های سفید امضا در بی‌حقوقی مطلق مشغول به کارند. طبق پیش‌بینی‌های رسمی، کارگرانی که با قراردادهای موقت به کار گرفته می‌شوند، طی چند سال آینده 90 درصد از کارگران شاغل را در بر خواهند گرفت. از سوی دیگر قانونگذاران در ایران به دنبال خارج کردن کارگاه‌های دارای کمتر از پنج و ده نفر (خروج از شمول سی ماده قانون کار) و کارگران قالبیاف از شمول قانون کار، در پی محروم کردن کامل همه کارگران موقت از حداقل تأمین اجتماعی می‌باشند. در این شرایط سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگانی به ایران و نظارت به امضای تفاهم‌نامه‌ای در خصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکلهای کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تأسف عملاً بر بی‌حقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن تشکلهای مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار (ILO) بوده‌اند، تفاهم‌نامه‌ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضای آن حضور نداشته‌اند، به رسمیت نخواهند شناخت. لذا ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هستیم. در این راستا ضمن درخواست از وزارت کار و امور اجتماعی جهت رفع موانع تشکلیابی کارگران و به رسمیت شناختن نمایندگان مستقل کارگران جهت حضور در تمامی نشست‌های مربوط به تدوین قوانین مرتبط با کار از سازمان‌های کارگری نیز در سراسر جهان می‌خواهیم تا از خواست‌های برحق کارگران ایران حمایت نمایند. همچنین از همکاران خود در این سازمان‌ها و سایر مجامع بین‌المللی کارگری می‌خواهیم تا از سازمان جهانی کار بخواهند که به رسمیت شناسی و نظارت به امضای هر گونه تفاهم‌نامه مربوط به قوانین کارگری در ایران را، منوط به حضور نماینده‌های مستقل کارگران (از طریق تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات، بنمایند. کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران

فراخوان

داشتن تشکلهای واقعی کارگری حق مسلم کارگران ایران است. اگر کارگران از تشکلهای واقعی خود برخوردار بودند، صاحبان سرمایه قادر نمی‌شدند اینهمه بی‌حقوقی، از قبیل قراردادهای موقت، بیکارسازیها، دستمزدهای زیر خط فقر، عدم پرداخت بموقع دستمزدها و دهها مورد بی‌حقوقی دیگر را به کارگران تحمیل نمایند. آزادی ایجاد تشکلهای واقعی کارگری و سازمانیابی کارگران در تشکلهایی که نهادها و مقامات دولتی در امر سازماندهی و اداره آنها دخالتی نداشته باشند گامی اساسی و مهم در راستای رفع این بی‌حقوقی‌هاست. ما عموم کارگران را در تمامی بخشها و مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی فرا میخوانیم تا در سطح وسیعی این طومار را امضا نمایند. رسیدن به مطالبات بر حق و انسانی ما کارگران در گرو اتحاد و همبستگی ماست.

## چه کسانی نماینده های واقعی کارگران هستند جعفرعظیمزاده

#پس از گذشت نزدیک به سه سال از تعهد وزارت کار و امور اجتماعی جهت اجرای مقاوله‌نامه‌های 87 و 98 سازمان جهانی کار، در تاریخ 83/7/15 نشست سه جانبه در وزارت کار در پشت درهای بسته در حضور نمایندگانی از سازمان جهانی کار برگزار گردید. محورهای مورد توافق این نشست بازنگری و تهیه و تنظیم پیش‌نویس اصلاحیه مواد مربوطه در فصل ششم قانون کار مطابق با اصول شناخته شده بین‌المللی در زمینه حق تشکل، لزوم نهایی نمودن متن مذکور از طریق نشست سه جانبه و همچنین نیاز به تجدید نظر در قانون تاسیس شوراهای اسلامی با هدف تقویت کارکرد صنفی این تشکل در زمان مقتضی و مطابق با مقاوله‌نامه‌های 87 و 98 سازمان بین‌المللی کار اعلام شد. امر مسلم اینست که در شرایط نبود تشکلهای مستقل کارگری و عدم تضمین فعالیت آزادانه کارگران در جهت تشکلیابی خویش، اینگونه نشتها نیز، راه به جایی نبرده و در بهترین حالت، به سنت تشکل‌سازی از بالای سر کارگران دامن زده و به تقویت و ابقای آن منجر خواهند شد. بند 2 معاهده 87 سازمان جهانی کار تصریح دارد که کارگران بدون اجازه قبلی حق دارند تشکلهای مورد نظرشان را تشکیل دهند، آیا به راستی چنین شرایطی برای کارگران ایران مهیاست که آنها بتوانند در بستر آن تشکلهای خود را ایجاد کنند تا بدین ترتیب نماینده‌های کارگری برخاسته از چنین تشکلهایی در نشستهای سه‌جانبه شرکت نمایند؟ مسلماً پاسخ این سؤال منفیست. به همین دلیل نیز بدنبال این نشست و در طول نزدیک به چهار ماه گذشته فعالین کارگری و کارگرانی از بخشهای مختلف اعتراض خود را نسبت به نحوه برگزاری این نشست اعلام کردند. محور اصلی این اعتراض به عدم حضور نماینده‌های مستقل کارگران در این نشست و همچنین خواست آزادی تشکلهای کارگری بوده است و علی‌العموم معترضین خواهان حضور نماینده‌های مستقل کارگران در اینگونه نشستها شده‌اند.

اما آیا قضیه به همین جا ختم میشود؟ بهر حال این پروسه‌ایست که در رابطه با سرنوشت تشکلهای کارگری در ایران شروع شده است و اولین قدم قانونی آن اصلاح فصل ششم قانون کار میباشد که باید نماینده‌های واقعی کارگران در پروسه اصلاح آن شرکت نمایند. واقعیت اینست که اعتراض عدم شرکت نماینده‌های مستقل کارگران در این پروسه فقط یک بخش مهم مسئله میباشد، این امر بخش مهم دیگری نیز دارد که عدم توجه به آن میتواند به خودی خود، حتی در صورت پذیرش

این اعتراضات، باز هم نهایتاً منجر به سازو کارهایی شوند که تشکلهایی از بالای سر کارگران شکل بگیرند.

امروزه کارگران با دستمزدی معادل 50 درصد زیر خط فقر در وضعیت فلاکتباری در مراکز تولیدی و خدماتی مشغول کارند، از سویی خطر از دست دادن همین زندگی زیر خط فقر نیز همیشه و هر آن بر بالای سر آنها قرار دارد و کارفرما هر لحظه میتواند کارگران را اخراج یا قرار داد یکی، دو ماهه آنها را که بخشا سفید امضا هم هستند تمدید نکند و بدین ترتیب کارگران و خانواده‌هایشان بیش از پیش در گرسنگی مطلق فرو روند، به عبارت دیگر امروزه از یک سو در شرایطی که کارگران با قراردادهای موقت در بی‌حقوقی مطلق و بدون داشتن کمترین امنیت شغلی به کار گرفته میشوند و کوچکترین تحرک کارگر در محیط کار برای احقاق اولیه‌ترین حقوق خویش، براحتی منجر به اخراج یا عدم تمدید قرارداد وی از طرف کارفرما میگردد و از سوی دیگر در شرایطی که فعالین کارگری و کارگران خواهان تشکل در کنار عدم امنیت شغلی از آزادیهای اجتماعی لازم نیز جهت برپا داشتن تشکلهای خود محرومند، چگونه و بر اساس چه معیاری میتوان نماینده‌های مستقل کارگران را تشخیص داد و در نشستهای سه‌جانبه خواهان حضور آنها شد. کدام مطالبه و سنت کارگری در شرایط فعلی و با اوضاعی که شرح آن رفت میتواند پاسخگوی خلاء موجود در نشستهای سه‌جانبه باشد؟ حقیقت اینست که بی‌حقوقی مطلق که تنها به گوشه‌هایی از آن اشاره شد چنان بر فعالیت قانونی و ابراز وجود اجتماعی کارگران سایه انداخته است که کمتر کسی میتواند آنها را نادیده بگیرد، اساسا نادیده گرفتن تاثیر انکارناپذیر واقعیات فوق بر پروسه حضور کارگران در عرصه‌های مختلف ابراز وجود اجتماعی و قانونی آنها، به خودی‌خود به معنای وجود اراده‌ای بر عدم دخالت کارگران و حضور نماینده‌های مستقل آنها در نشستهای سه‌جانبه خواهد بود. به دیگر سخن، هر نگرشی که بخواهد با نادیده گرفتن این واقعیتها حرکت کند، نهایتاً و بالاچاره دخالت مستقیم کارگران و نماینده‌هایشان را در پروسه حرکت خویش خواسته یا ناخواسته نفی خواهد کرد و در بهترین حالت به شکل‌گیری تشکلهایی از بالای سر کارگران منجر خواهد شد. از این روست که بایستی در کنار اعتراض به عدم حضور نماینده‌های مستقل کارگران در نشستهای سه‌جانبه، گامهای عملی دیگری نیز در جهت برداشتن سایه سنگین وضعیتی که شرح آن رفت برداشت. این گامها باید به طرح و تثبیت مطالباتی منجر شوند که شرایط لازم و عینی را برای#

دخالت مستقیم و بلاواسطه کارگران و تعیین بخشی به نماینده‌های مستقل آنها برای شرکت در نشستهای سه‌جانبه فراهم نمایند.

در این راستا از یک سو جهت کوتاه کردن دست صاحبان سرمایه در رابطه با اخراج یا عدم تمدید قرارداد کارگران و بدین ترتیب تضمین امنیت شغلی آنان، بایستی یکصدا خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت شد. در حالیکه کارفرمایان براحتی قادرند قرارداد کارگر را لغو و یا وی را اخراج نمایند، نگفته پیداست که همه چیز کارگران را نیز، مطلقاً کارفرمایان رقم خواهند زد و همه شرایط دلخواه خود، منجمله سازوکاری را که تضمین‌کننده منافعشان باشد در پروسه تشکیل‌یابی کارگران به آنان تحمیل خواهند نمود و یا ابتدا به ساکن هر قدمی که کارگران برای تشکیل‌یابی خود بردارند بلافاصله آنرا با حربه بیکارسازی کارگران پیشرو با شکست مواجه خواهند نمود. از این روست که همه ما کارگران بایستی برچیده شدن قراردادهای موقت را در راس مطالبات خود قرار دهیم. و اما از طرف دیگر باید به سراغ سنتهایی رفت که تا به امروز خود کارگران، راساً در مناسبتهای مختلف برای تصمیم‌گیریهای خویش از آنها بهره برده‌اند و از این رهگذر باید به طرح و تثبیت هر چه بیشتر سازوکارهایی پرداخت که متضمن اراده و رای مستقیم خود کارگران بوده است، بر هیچکس پوشیده نیست که علیرغم نبود تشکلهای مستقل کارگری در ایران واقعیت اینست که کارگران در کشمکشهای روزمره خود با صاحبان سرمایه و در دفاع از سطح معیشت خویش، همیشه سطحی از همبستگی طبقاتی و ابراز وجود اجتماعی را جهت مقابله با وضعیت فلاکت‌باری که به آنها تحمیل شده است به نمایش گذاشته‌اند. در سالهای اخیر به دلایل مختلفی از جمله بیکارسازیها، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و... کارگران بارها به اشکال مختلف به رودررویی با پامال شدن حقوق مسلم خود پرداخته‌اند. اعتصاب، تحصن، راهپیمایی و دیگر اشکال ابراز وجود اجتماعی اهرمهایی بوده‌اند که کارگران با توسل به آنها اعتراضات مختلف خود را ابراز داشته‌اند. همه ما بارها شاهد اینگونه اعتراضات بوده‌ایم، این مبارزات در حالی صورت گرفته که کارگران از داشتن تشکلهای واقعی خود و بدین ترتیب انسجام بخشیدن به اعتراضاتشان محروم بوده‌اند، اما با این حال، این اعتراضات با اشکال فوق و گاه با قدرت و انسجام نسبتاً بالایی انجام گرفته است. تمام این واقعیات نشانگر این است که کارگران، همیشه (حتی) بدون وجود تشکلهای متعارف و قانونی، در کشمکش‌های روزمره خویش با کارفرمایان، سنتهایی را جهت تصمیم‌گیریهای مهم و

سرنوشت سازبکار بسته‌اند. این سنتها، سنتهای واقعی کارگریست که بر بستر کشمکش دائمی کارگران با صاحبان سرمایه مادیت پیدا کرده، به کارگران قدرت مقابله داده و به آنها انسجام لازم را در تصمیم‌گیریهای مهم بخشیده است. امروزه هر کسی از کارگران معترض سؤال کند که شما چگونه تصمیم گرفتید اعتراض خود را انسجام بخشیده و حقوق از دست رفته خود را مطالبه نمائید به هیچ چیز، جز مجمع عمومی اشاره نخواهند کرد و خیلی ساده خواهند گفت که حقوقمان را 6 ماه بود که نداده بودند، به همین دلیل ما مجمع عمومی خود را تشکیل داده و آنجا تصمیم گرفتیم مثلا طومار نویسی یا تحصن کنیم. این پاسخ، جوهر و خمیرمایه اصلی اعمال اراده و رای مستقیم کارگران را در خود دارد، این یک پاسخ کارگری به وضعیت موجود (نبود تشکلهای سازمانیافته‌تر کارگری) است که باید در طرح و تثبیت هر چه بیشتر آن کوشید. واقعیت اینست که تحت هر شرایطی، حتی در یک شرایط متعارف که تشکلهای کارگری سازمانیافته‌تر نیز بطور قانونی فعالیت میکنند مجمع عمومی تنها ظرفیست که اراده جمعی کارگران را متبلور میکند و به تصمیمات آنها مشروعیت میبخشد چرا که کارگران در مجمع عمومی در حضور همدیگر و با اتکا به قدرت جمعی خویش با رای مستقیم و بدون واسطه تصمیم میگیرند. به عبارت دیگر مجمع عمومی تنها مرجع غیرنیابتی برای طرح و مطالبه نیازهای کارگران و تصمیم‌گیری آنها، منجمله انتخاب نماینده‌های آنان میباشد. از این روست که باید خواهان قانونی و روتین شدن مجامع عمومی کارگری در ساعات کار شد، باید هرگونه تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت کارگران و گزینش نماینده‌هایشان را فقط از طریق مجامع عمومی کارگری خواستار شد، مجامع عمومی‌ایکه به عنوان حقوق قانونی و مسلم کارگران در ساعات کار و در محیط کار با شرکت همه کارگران تشکیل بشود. بدون وجود مجامع عمومی و قانونی شدن آن در ساعات کار با توجه به خلا تشکلهای سازمانیافته‌تر کارگری، نماینده‌های واقعی کارگران در نشستهای سه‌جانبه مجال حضور نخواهند یافت و تمام تلاشهای اعتراضی به عدم حضور نماینده‌های مستقل کارگران در نشستهای سه‌جانبه، فقط و فقط یک اعتراض باقی مانده و بدین ترتیب زمینه ایجاد تشکلهایی از بالای سر کارگران همچنان مهیا خواهد بود. طرح و مطالبه و تثبیت قانونی مجامع عمومی کارگری و انتخاب نماینده‌های کارگران توسط این مجامع جهت حضور در نشستهای سه‌جانبه تنها بستر شرکت نماینده‌های واقعی کارگران در هرگونه تصمیم‌گیری برای سرنوشت تشکلهای کارگری میباشد. نماینده‌های واقعی کارگران کسانی هستند که فقط از طریق مجامع عمومی کارگری مستقیما توسط خود کارگران یک کارخانه و به همین ترتیب توسط مجامع عمومی کارگران یک منطقه و استان و کشور انتخاب شده باشند.

## مصاحبه سایت شورا

## با پنج تن از نماینده‌های منتخب

## کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران

فرامرز قربانی - امان جلیلیان - جعفر عظیمزاده - بهرام (عیسی) عابدینی -  
یعقوب امیری

شورا: آقای عظیمزاده قبل از هر چیز لطفا شما کمی در باره کمیته و  
چگونگی شکل‌گیری آن برایمان توضیح دهید.

عظیمزاده: بدنبال نشست سه‌جانبه‌ای که در مورخه 83/7/15 با نظارت سازمان جهانی کار برگزار شد تعدادی از فعالین کارگری با محور خواست آزادی ایجاد تشکلهای کارگری، دست به کار تدارک اعتراضی به این نشست، بوسیله جمع‌آوری امضا از کارگران شدند. در پروسه تهیه متن نامه اعتراضی و چگونگی جمع‌آوری امضا بود که ایده ایجاد کمیته‌ای جهت تعیین بخشی به این حرکت و گسترش دامنه آن مطرح شد. در راستای تحقق این امر مجمع عمومی مؤسس کمیته در مورخه 83/9/19 با شرکت 28 نفر از فعالین کارگری شهرهای مختلف برگزار گردید. در این مجمع متن نامه اعتراضی و تشکیل کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری به اتفاق اکثریت مطلق آرا به تصویب رسید. سپس در مورخه 83/11/9 مجمع عمومی دوم، جهت سروسامان دادن به کار کمیته با شرکت 38 نفر برگزار شد. در این مجمع 7 نفر به عنوان نماینده‌های کمیته تا مجمع بعدی انتخاب شدند این مجمع وظیفه اطلاع‌رسانی و ارسال نامه به مراجع تصویب شده کمیته و پیگیری آنها ... را بعهدہ نمایندگان گذاشت همچنین سایت آوای کار و سایت شورا به عنوان مرجع رسمی اخبار کمیته در مجمع انتخاب شدند. با توجه به نوپا بودن کمیته و به دلیل اینکه کمیته، هنوز سازوکار کاملا تعریف شده‌ای را برای کلیه امورات خود فورموله نکرده است در حال حاضر کمیته سخنگوی رسمی ندارد بر این اساس کلیه اظهار نظرهای نمایندگان یا سایر اعضای کمیته، نظرات

شخصی آنان محسوب میشود. امیدوارم در مجمع بعدی که فروردین ماه برگزار میشود، کمیته تعین بیشتری را در همه زمینه‌ها به خود بدهد.

**شورا: آقای عابدینی به نظر شما چرا فعالین کارگری دست به کار ایجاد کمیته پیگیری شدند؟**

**عابدینی:** با توجه به اینکه منافع جمعی کارگران هر روز به نحوی مورد تهاجم قرار میگیرد و به شکلهای مختلف پایمال میگردد، مانند تحمیل قراردادهای موقت و گاهی سفید امضا، عدم پرداخت دستمزدها در موقع مقرر، اخراج سازهایی دسته جمعی کارگران و سایر موارد که بسیار است و مثله کردن هرروزه گوشه‌ای از قانون کار که در سطح بسیار ناچیزی منافع کارگران در آن میباشد و اینکه کارگران در این میان هیچگونه ابزار قانونمند و کارآمدی که بتواند از مطالبات خود دفاع نماید، ضرورت به وجود آمدن تشکلهای آزاد کارگری مورد توجه قرار گرفت که به عنوان اولین قدم در راه احقاق حقوق کارگران باید شکل بگیرد. بر اساس همین نیاز تعدادی از فعالین کارگری دست به کار ایجاد کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری شدند تا بدینوسیله مسئله تشکل یابی کارگران را به صورت سازمان یافته‌تری دنبال کنند و همچنین ناگفته نماند که حدود چهار ماه پیش نماینده‌های سازمان جهانی کار ناظر به نشستی بوده‌اند که خانه کارگر به عنوان نماینده کارگران در آن شرکت داشت که قسمتی از این نامه اعتراض به این نشست میباشد چرا که نماینده‌های واقعی کارگران در این گفتگوی سه‌جانبه حضور نداشته‌اند.

**شورا: این کمیته از چه کسانی و یا گرایشهایی تشکیل شده است؟**

**عابدینی:** کمیته از تعدادی از فعالین کارگری که بیشتر آنها خود نیز کارگر میباشد شکل گرفته و در شکل گیری آن تنها مطالبات کارگری محور بوده بر این اساس مسئله گرایشهای مختلف مطرح نیست هر چند که هر فردی میتواند دارای هر گرایش فکری و سیاسی باشد ولی آنچه در اینجا مهم است تامین منافع کارگران میباشد.



### شورا: آیا همگان میتوانند این نامه را امضا کنند؟

**عابدینی:** بله، در این رابطه بیشترین تلاش ما این بوده که در حله اول کارگران مراکز تولیدی و صنعتی از نامه فوق حمایت کنند هر چند که محدودیتهای زیادی برای جمع آوری امضا از این مراکز وجود داشته. اما با توجه به اینکه کارگران اکثریت عظیمی را در جامعه تشکیل میدهند و به عنوان بزرگترین طبقه اجتماعی که منافعش با سایر اقشار زحمتکش جامعه گره خورده، مانند پرستاران، معلمان و سایر افرادی که به نوعی نیروی کار خود را میفروشند و همچنین همه انسانهایی که به حقوق دیگران ارزش انسانی قائلند و خود را در قبال سرنوشت آنها مسئول و متعهد میدانند میتوانند نامه اعتراضی را امضا نمایند.

### شورا: منظور شما از تشکلهای آزاد و مستقل کارگری چیست؟

**عابدینی:** به نظر من منظور از مستقل و آزاد بودن تشکلهای کارگری اینست که این تشکلهای از بطن مراکز تولیدی و صنعتی و با دخالت اکثریت کارگران و از طریق مجامع عمومی کارگری و با تامین منافع آنها شکل بگیرد یعنی شکل گیری تشکلهای مزبور بدون دخالت نهادهای دولتی و کارفرمایی در تمامی شکلهای خود میباشند بطور واضح تر بگویم که در شکل گیری آنها هیچگونه پیش شرطی تحت عناوین قانون کار و متولیان آن و غیره دخالت نکنند و داشتن تشکلهای کارگری به عنوان بدیهی ترین حق کارگر شناخته شود و کارگران برای ایجاد چنین تشکلهایی نیازی به کسب مجوز از هیچ نهادی را نداشته باشندشورا: آقای قربانی به نظر شما کمیته باید چه کارهایی را بیشتر در دستور بگذارد تا به نتایج بهتری حول این اعتراض برسد؟

**قربانی:** به نظر من برای اینکه کمیته بتواند هر چه بهتر و سریعتر به نتایج نسبتنا معینی حداقل در این مرحله برسد باید هر چه بیشتر با مراجعه کردن

به مراکز صنعتی و ارتباط با سایر انجمنها و فعالین کارگری، حرکت خود را گسترش دهد چرا که فقط در این صورت است که به اعتراض ما توجه خواهد اما در صورتیکه این حرکت در همین قد و قامت باقی بماند من چندان امیدوار نیستم. بنابر این در همه زمینه‌هایی که کمک به این حرکت میکند باید تلاش و کوشش هر چه بیشتری کرد.

### شورا: منظور شما از تصمیمات جمعی کارگران چیست؟

**قربانی:** منظور این است که در محله‌هایی که کارگران در آن مشغول به کار میباشند چه مراکز صنعتی و چه کارخانه‌ها و همچنین کارگاهها و سایر جاهایی که کارگران در آنجا نیروی کار خود را میفروشند بتوانند با گرد هم آمدن هر چند مدت یکبار، جهت حل مشکلات و انتخاب نماینده‌هایشان، مجمع عمومی تشکیل دهند مخصوصا در مورد انتخاب نماینده‌های کارگری برای حضور در نشستهای سه‌جانبه، این نمایندگان بایستی از طریق مجمع عمومی و رای مستقیم کارگران برگزیده شوند.

### شورا: آقای جلیلیان منظور شما از تشکلهای مستقل در نامه اعتراضی

#### کمیته پیگیری چیست؟

**جلیلیان:** بد نیست برگردیم به علل و انگیزه ابتدایی کمیته پیگیری تا به نکته شفاف‌تری برسیم. قبل از هرچیز تاکید کنم که اظهارات بنده، فقط به عنوان یکی از اعضای کمیته‌ایی که تنها دو نشست از عمرش را سپری میکند، لزوما دیدگاه کلی اعضا کمیته را منعکس نمیکند. هر چند به فراخور لفظ نماینده را هم جهت پیگیری و اطلاع رسانی، برای خود محترم می‌شمارم، پیشینه مطالبات کارگری چنان در مفاهیم و لفاظی‌های سترونی به محاق افتاده که در وحله اول نمیتوان قاعده خاصی را برای درک مفاهیم رایج ادبی حاکم بر اجتماعات کارگری به وضوح تبیین کرد. دامنه معنایی لغات تنها در مجامع و محافل ادبی قابل تاویل و تفسیرند. بسیاری از واژه‌ها هم از طریق ترجمه‌های خام در جوامع اینچنین مورد استفاده قرار میگیرد که انحصارا در جوامع پیشرفته اروپایی رایج

است و زینده قد و قامت کوتاه ما نیست برای نمونه ببرهای تامیل همانقدر میتوانند خود را مستقل بدانند تا جنبش امل لبنان. با این وجود به نظر من به کارگیری لفظ مستقل در اینجا دال بر این است که هیچگاه شکل مستقل پشت جریانات متکی بر دولت جا خوش نمیکند تا به واسطه وابستگی خاصی که دارد دامنه فعالیت‌هایش محدود شود. از طرفی خود را ملزم نمیداند تا به نوستالوژی محفلی وابستگی خاصی پایبند باشد که پیشاپیش مفاهیم کلاسیک را خام‌خوری کرده‌اند دست کم اینکه با توجه به شرایط خاص قرن بیست و یکم و انفجار اطلاعاتی و دسترسی به رسانه‌ها، مرزهای فرهنگی کلاسه شده گذشته بسیار کم رنگ‌تر شده‌اند و به تبع آن مفاهیم کلیشه شده هم تعبیر گذشته را متجاوز نمیکنند. هر چند مفاد حقوقی جاری همچنان داعیه‌های خاص خودش را دارد با این وجود اگر روح قوانین را درک کنیم اعتراف میکنیم که کارگران قرارداد موقت معضل نوینی هستند که در تاریخچه مطالبات کارگری دارد شکل پیدا میکند به صراحت با توجه به روح قوانین حتی میتوان این پدیده را غیر قانونی و غیر انسانی دانست. تا آنجا که به قوانین موجود مربوط میشود قرارداد موقت برای کاری منعقد میشود که به اقتضای فصل یا ماه‌های خاصی از سال کار تعطیل شود. حال اگر مثلاً کارخانه سایپا دیزل به صورت روتین و بلا انقطاع در چهار فصل سال مشغول تولید است چه ضرورتی دارد که کارگرانش را به شکل قرارداد موقت حتی سفید امضا به کار گیرد لابد اگر قیدوبندهای بیمه‌ای را از صدقه سر شرکتهای بیمه‌گذار و قوانینی تحت عنوان فوت و قطع عضو و دیه و.. را هم نداشتیم کارفرمای محترم خودش را مقید نمیدانست تا نوشته‌ایی را به شکل موقت یا حتی دائم با کارگر امضا کند. تجربه نشان داده که به همین راحتی میتوان هزار توی قوانین را دور زد، میتوان در شرایط خاص با اسپانسرهای جاسنگین وزارتی چانه زنی کرد یا در نهایت با نفوذی که در شورای حل اختلاف میتوان اعمال نمود همه جوره کارگر را سرکیسه کنید

علی‌الخصوص زمانیکه هیچ تشکل مستقلى هم برای اعاده حقوق کارگر وجود نداشته باشد.

؟ :

**جلیلیان:** واقعیتش اینست که اگر بیشتر حوصله کنید توضیح میدهم که تاکنون گرایش خاصی را ندیده‌ام در هر جمع نظرات خاصی طرفدارانی دارد تلاش کمیته بیشتر برای هم‌گرایی و زایل کردن توهمات و دغدغه‌هایی که موجب ریزش اعضاست طبیعی است که هیچکس ضمن اینکه خودش را سانسور نمیکند تلاش هم نمیکند تا نظرات خود را بر کمیته اعمال کند. این نظر شخص من است. بکارگیری، استعاره و تکیه کلام و استعمال گونه خاص و گفتمان خاص ادبی، لزوماً دلیل گرایش یا ضابطه‌مندی ویژه‌بی نیست شاید به توهمات ذهنی مخاطب بستگی داشته باشد. اعضای کمیته‌بی که تنها برای چند ساعت دورهم جمع میشوند این فرصت را ندارند تا در گرایشات خاص همدیگر غور کنند و بعضاً دیدگاههای همدیگر را تفهیم کنند. حداقل در آن جمع هیچکس به نمایندگی از جمع خاصی در آنجا وجود ندارد هر کس تنها خودش است و بس. برای مثال من در کارخانه محل فعالیتیم به عنوان شورا شناخته شده‌ام اما با حضور در این جمع تنها بیانگر نظرات خودم هستم آنهم با وقت و شرایط بسیار بفرنجی که واقعا تاسف‌بار است مخصوصاً دوستانی که از شهرستانها می‌آیند و مشکلات مضاعفی دارند که با بی‌مهری ما مرکز نشینها هم طبعاً مواجه‌اند. من هم با توجه به شرایط عینی و مادی خودم در آن شرکت میکنم.

**شورا:** به نظر شما کمیته چه اقداماتی را جهت پیشبرد اعتراض خود باید در دستور بگذارد؟

**جلیلیان:** هدف کمیته به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل است، روشن است که تا حصول این نتایج زمان زیادی را باید به انتظار سپری کرد این انتظار کشیدن دیگر پسرفت است نه پیشرفت. من انتظار دارم در نشست بعدی

حداقل کمیته بتواند تعلقات خودش را یک کاسه کند و انرژی خود را معطوف مسائل روز نماید، از گذشته گرایمی پرهیز کند و تا جاییکه مقدور است حول مطالبه خود تمرکز کند و با کارگران بخشهای مختلف تماس بیشتری داشته باشد. فاصله گرفتن و لقلقه الفاظی که خاص جوامع غیر ایرانی است لزوماً بیانگر ادبیات و کنشهای اجتماعی همان سامان است ما واقعیات عینی خودمان را داریم که برای اروپاییها بسیار متفاوت و غیر منتظره است همینطور هم بر عکس. چرا ما باید رنگهای خود را باور نداشته باشیم. برای مثال وقتی شما برای مدت ده روز در کارخانه‌ی اروپایی مامور شوید-همانطور که خودم تجربه کرده‌ام-آن کارخانه موظف است موازین قانونی و حوادث و بیمه را مانند هر کارگر با سابقه دیگری برای شما فراهم کند. حال ما با ادبیات آنها چقدر فاصله داریم بماند... درک نکات و مفاهیم جامعه‌شناسانه آنها لزوماً همان دایره معنایی ما نیست پس ضروریست که کمیته بر قابلیت‌های جغرافیایی خودش متکی باشد. هر چند این خواسته من به عنوان عضوی از اعضا فقط به خودم بر میگردد با اینحال به لحاظ وقت سایت شما بیشتر از این چیزی برای گفتن ندارم.

### شورا: فراخوان شما در رابطه با نامه اعتراضی رو به جامعه چیست؟

**جلیلیان:** واضح است که برای جمع‌آوری امضا زحمات زیادی کشیده شده دست کم اینکه بگومگوی کارفرماها را با حوصله از سر گذرانندیم از عواملی که مدام پپای ما بودند و از مدیرانی که حاجی ترسانی مالوف خود را انجام میدادند کمال قدر دانی را دارم، زمانیکه در تجمعات کارگری حتی در مکانی قانونی مثل وزارت کار امضا جمع میکردم فراخوان کمیته را همانجا به گوش مخاطبان رساندم، اطلاع رسانی چهره به چهره نه از طریق رسانه‌های جمعی دیگر صورت گرفته، آنها به جرات بگویم از اعضای کمیته هم رادیکالتر هستند به عقیده آنها وقتی مراجع عریض و طویلی که با هزینه‌های مالیاتی کمرشکن خود ما سر پا هستند به خواسته‌های ما وقتی نمیگذارند از کنفدراسیونهای کارگری خارج

کشور چه انتظاری میتوان داشت. وقتی اتحادیه‌های اروپایی حاضرند برای اعتراض به جنگ بوش و صدام کمپینهای چند صد نفری ترتیب دهند و رسانه‌های جهانی کار چاق‌کنها و آتش بیار معرکه شده‌اند چه کسی میتواند صدای ما را هم منعکس کند. نمونه‌اش را هم در مطبوعات خودمان میبینیم. کدام رسانه جمعی توانست پوشش خبری بدهد. جز اینکه مصائب دردناک کودکان کار و اعتراضات کارگری بسیار اندک تنها در صفحات حوادث روزنامه‌ها درج میشود... حرفهای جدی‌تری که برآستی قدرت بیانش را ندارم، قدرت تحلیل مخاطبین ما فراتر از ماست ما مغلق‌تر و با احتیاط‌تر عمل میکنیم... با وجود این برای غلبه بر تمام این ناامیدها و سلب اعتمادهایی که بر ما حاکم است امیدوارم قوانین داخلی بتواند تا فرصت هست خودش را متحول کند. کارفرماها باید مجاب شوند که برای جذب سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌داری که هر روز شاهد بازدیدهای عریض و طویل آنها از مراکز صنعتی هستیم، حقوق اولیه و حیاتی ما را ضایع نکنند هر چند این خواسته‌هایی است از سر استیصال که به در بسته میخورد. ترغیب و ایجاد انجمنهای حمایتی، تشکلهای مستقل شورایی با تکیه بر حمایتهای خودجوش، انتظاری است بجا و شایسته، تا حداقل بتوان در بحرانهای فرا روی منطقه و پروسه جهانی‌سازی، کارگران به عنوان اراده جمعی کانون توجهات را به خود معطوف کنند.

### شورا: آقای امیری چگونه شد که به فکر این حرکت افتادید؟

**امیری:** اگر به جریان رخ داده که منجر به اولین گردهمایی گردید نظر بیافکنیم مسئله روشن میشود. عده‌ای از فعالین کارگری با توجه به نظارت سازمان جهانی کار به نشست سه جانبه نمایندگان دولت و خانه کارگر و کارفرمایان و با توجه دقیق به موضوعات مطروحه در این نشست خلا عظیم نبود تشکلهای کارگری را مورد توجه قرار داده و با استناد به کنوانسیون جهانی کار و مقاله‌نامه‌های 87 و 98 که این حق را به کارگران میدهد که آزادانه و بدون دخالت نهادهای دولتی دست به ایجاد تشکلهای کارگری بزنند، دست به

این حرکت زدند تا با بهم پیوستگی و انسجام به این نیاز حیاتی پاسخ درستی بدهند و اینگونه بود که اولین مجمع عمومی از فعالین کارگری برگزار شد. ما خواهان متشکل شدن مستقل کارگران به معنی عدم دخالت دولت و هر نهاد دولتی مربوط به آن هستیم تا کارگران بتوانند آزاد تصمیم بگیرند، آزاد فکر کنند و آزاد عمل کنند مسئله خودشان را خودشان پیش ببرند.

### شورا: فراخوان شما در رابطه با این نامه اعتراضی چیست؟

**امیری:** ما از همه کارگران میخواهیم که این طومار را وسیعاً امضا کنند چرا که کارگران بدون تشکل قادر نیستند از حقوق خود دفاع کنند همچنین از سازمانها و تشکلهای کارگری در سراسر جهان میخواهیم حمایت خود را از آزادی تشکلهای کارگری در ایران اعلام کنند. کارگران در ایران تا بحال از داشتن حق تشکل به معنای واقعی آن محروم بوده‌اند در نتیجه حقوق آنان مرتب پایمال شده است. ما تمام هم سرنوشتی‌های خود، تمامی کارگران صنعتی، پتروشیمی، نفت، فنی، ساختمان و خدماتی را فرا میخوانیم تا در این حرکت سرنوشت‌ساز با ما همگام شوند.

شورا: آقای عظیم‌زاده به نظر شما هدف از براه افتادن چنین حرکتی چه بود؟

**عظیم زاده:** قبل از اینکه به اهداف این حرکت اشاره کنم لازم است به بستر این حرکت و ضرورت شکل گیری آن بپردازم. همانطور که اطلاع دارید سه سال است که وزارت کار متعهد به اجرای مقاله‌نامه‌های 87 و 98 شده است در این راستا و پس از گذشت سه سال برای اجرایی کردن این مقاله‌نامه‌ها، نشستی سه جانبه در مورخه 83/7/15 در وزارت کار با نظارت نماینده‌هایی از سازمان جهانی کار برگزار شد که مهمترین توافقات آن عبارت بودند از: تنظیم پیش‌نویس اصلاحیه مواد مربوطه در فصل ششم قانون کار مطابق با اصول شناخته شده بین‌المللی در زمینه حق تشکل، لزوم نهایی نمودن متن مذکور از طریق نشست سه‌جانبه و نیاز به تجدید نظر در قانون تاسیس شوراهای اسلامی با هدف تقویت کارکرد صنفی این تشکل در زمان مقتضی و مطابق با مقاله‌نامه‌های 87 و 98 سازمان بین‌المللی کار. با توجه به این توافقات در مورد چگونگی و سازوکار اجرایی کردن مقاله‌نامه‌های 87 و 98، لازم بود که نماینده‌های مستقل کارگران در پروسه آن دخالت مستقیم و مؤثری میداشتند، به نظر ما این نشست بدون حضور نماینده‌های مستقل کارگران در حالی انجام گرفت که نمایندگان از سازمان جهانی کار بر آن نظارت داشت، این نظارت در افکار عمومی به خودی خود به معنای حضور نماینده‌های کارگران در این نشست تلقی میشود در حالیکه به نظر ما نماینده‌های مستقل کارگران در این نشست حضور نداشتند. اعتراض عمده ما به این نشست و خواست و هدف ما آزادی ایجاد تشکلهای کارگری میباشد که

معتقدیم به علت عدم حضور نماینده‌های کارگران در این نشست، امر ایجاد تشکلهای کارگری در قالب اینگونه نشستها تحقق پیدا نخواهد کرد. در راستای این مطالبه بود که فقط به جمع‌آوری امضا بسنده نکرده و دست به کار تشکیل کمیته‌ای جهت پیشبرد این اعتراض شدید تا بدینوسیله به اعتراض خود تعیین لازم را بدهیم، تجربه ثابت کرده که صرف یک اعتراض و فقط جمع‌آوری امضا، نهایتاً به کشو میزها سپرده میشود از رو باید کمیته‌ای ایجاد میشد تا بتواند این مطالبه را با تعیین لازم و نیروی کافی با دخالت طیفهای هرچه گسترده‌تری از کارگران و فعالین کارگری دنبال نماید. شورا: شما مرتب می‌گوئید تشکلهای مستقل و در نامه اعتراضی به تشکلهای آزاد اشاره شده، منظور تان چیست؟

**عظیم زاده:** منظور ما از تشکلهای آزاد اینست که شکل خاصی همانطور که تاکنون اینگونه بوده به کارگران تحمیل نشود و کارگران آزاد باشند تا هر نوع تشکلی را بدون اجازه قبلی و دریافت مجوز از نهادهای دولتی، ایجاد نمایند، بینید در قوانین فعلی کشور کارگران فقط مجازند شوراهای اسلامی یا انجمنهای صنفی را به عنوان تشکلهای خود ایجاد نمایند، تازه مسئله به تحمیل نوع تشکلهای ختم نمیشود برای ایجاد این تشکلهای نیز باید شما از اساسنامه تیپیککی که وزارت کار ارائه میدهد پیروی کنید در غیر اینصورت حتی قادر به ایجاد مثلا انجمنهای صنفی نیز نخواهید بود. ما می‌خواهیم کارگران بدون اجازه قبلی هر نوع تشکلی را که مایلند و آنرا برای حفظ منفعت خود لازم میدانند ایجاد کنند در رابطه با تشکلهای مستقل نیز منظور همین است، یعنی عدم دخالت نهادها و مقامات دولتی در امر ایجاد و سازماندهی تشکلهای کارگری. چرا که معتقدیم سازماندهی تشکلهای کارگری امر خود کارگران است، اساساً دولتها همیشه و همه جا خود یک پای کشمکش و چانه زنی با تشکلهای کارگری در رابطه با مطالبات کارگران بوده‌اند، دولتها همیشه آنطرف میز و روبروی کارگران بوده‌اند از طرفی خود دولتها (مخصوصاً در کشور ما) بزرگترین کارفرما هستند که صدها هزار کارگر را در اختیار دارند با این وصف اگر نهادها و مقامات دولتی به هر نحوی در امر سازماندهی و ایجاد تشکلهای کارگری و یا هدایت آنها دخالت کنند طبیعی است که هیچ روزنه‌ای برای تشکلهای کارگری در جهت حفظ منافع کارگران و رسیدن به مطالبات



آنها باقی نخواهد ماند و تشکلهای کارگری، خود به ابزاری جهت حفظ منافع صاحبان سرمایه تبدیل خواهند شد، از این روست که ما به تشکلهای آزاد کارگری به معنای عدم تحمیل تشکیلی خاص به کارگران و تشکلهای مستقل به مفهوم مستقل از دولت و عدم دخالت نهادها و مقامات دولتی در سازوکار تشکلهای کارگری تاکید داریم.

**درنامه تان گفته اید حضور نماینده های مستقل کارگران (از طریق شورا: تصمیمات جمعی کارگران) و استفاده از ابزارهای لازم جهت نظارت بر این انتخابات، منظور تان چیست و چگونه این نمایندگان انتخاب میشوند؟**

**عظیم زاده:** همانطور که در نامه نیز تصریح شده به نظر فعالین کارگری تشکیل دهنده کمیته، نشست سه جانبه ای که در مورخه 83/7/15 در وزارت کار پیرامون اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار برگزار شد بدون حضور نماینده های مستقل کارگران انجام گرفت از این رو ما خواهان حضور نماینده های مستقل کارگران در اینگونه نشستها شده ایم که معتقدیم این نماینده ها فقط باید با تصمیمات جمعی کارگران و به عبارتی از طریق مجامع عمومی کارگری جهت حضور در این نشستها انتخاب شوند. به نظر من هر گونه تصمیم گیری در رابطه با انتخاب نماینده های کارگری و همچنین ایجاد تشکلهای سازمان یافته تر کارگری، باید از طریق مجامع عمومی کارگری صورت گیرد در غیر اینصورت، انتخاب نماینده های کارگری و یا ایجاد تشکلهای سازمان یافته تر کارگری، خواسته یا ناخواسته از بالای سر کارگران انجام خواهد شد. اساسا مجمع عمومی تنها سازوکار رای مستقیم و بلاواسطه کارگران است، به عبارتی مجمع عمومی یگانه مرجع غیر نیابتی و گسترده ترین شکل تصمیم گیری بلاواسطه کارگران میباشد بطوریکه تنها جایی است که در آن کارگران در کنار هم و با احساس قدرت میتوانند مستقیما در سرنوشت خویش به طور عملی و روزمره و زنده، هر زمان که اراده کنند دخالت نمایند و بدین

ترتیب همه چیز را در پایه‌ای‌ترین سطح تابع تصمیمات جمعی و زنده خویش کنند، همچنین در شرایط فعلی که همه چیز تحت تاثیر دخالت دولت و کارفرماها قرار دارد، کمیته خواهان نظارت به انتخاب نماینده‌های کارگران در مجامع عمومی برای حضور در نشستهای سه‌جانبه است.

شورا: تا به حال چه اقداماتی انجام داده‌اید و تا چه حد از شما حمایت شده است؟

**عظیم زاده:** همانطور که در اول مصاحبه اشاره کردم در مجمع عمومی دوم کمیته هفت نفر به عنوان نماینده کمیته، جهت پیگیری امور آن‌تا مجمع بعدی انتخاب شدند. این نماینده‌ها تاکنون نامه اعتراضی کمیته را به وزارت کار و سازمانهای کارگری از جمله `ilo-icftu-clc-ofl-bcfl-cupe` و... ارسال کرده‌اند همچنین جهت انعکاس عمومی نیز، آن را حضورا به خبرگزاری ایسنا و ایلنا و روزنامه شرق تحویل داده‌اند که در این میان فقط روزنامه شرق آنرا در یکی از صفحات داخلی خود در مورخه 83/11/25 انعکاس داد. در رابطه با میزان حمایت از حرکت کمیته تا آنجا که ما میدانیم حمایت‌های زیادی صورت گرفته اما متأسفانه این حمایتها مستقیماً به خود کمیته منعکس نشده‌اند. از این رو بطور معین نمیتوان از حمایت‌های معینی اسم برد. من همینجا از فرصت استفاده کرده و از همگان، مخصوصاً سازمانها و تشکلهای کارگری داخل و خارج میخواهم که حمایت‌های خود را مستقیماً به آدرس اینترنتی کمیته: **azaditashakol@yahoo.com** منعکس کنند تا ما ضمن کسب اطلاع دقیق از میزان و نوع حمایتها، بتوانیم آنها را جهت اطلاع عمومی اعلام نماییم.

از دوستان شرکت کننده در این مصاحبه سپاسگزاریم.

سایت شورا **www.shora-b.com**

نامه حمایتی کنگره کار کانادا CLC به کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در  
ایران  
1 مارس 2005  
با درود،

به نمایندگی از طرف سه میلیون عضو کنگره کار کانادا clc بگذارید به کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای مستقل و آزاد کارگری در ایران به مناسبت کسب بیش از 4000 امضا در طومار اخیرتان در ایران تبریک بگویم. خواستهای طومار شما در رابطه با حق کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای مستقلشان در متن وخیم شدن هر چه بیشتر روابط صنعتی و مناسبات کار در ایران، نه تنها خواست مشروعی است بلکه رعایت آن بر هر دولت مدرنی واجب است.

ما واقفیم که تقریباً نیمی از کارگران ایران، اکنون با قراردادهای موقت و یا حتی سفید، بدون هیچ حقوقی کار میکنند. پیش بینی میشود که در چند سال آینده درصد کارگرانی که با قراردادهای موقت کار خواهند کرد به نود درصد کل نیروی کار برسد. علاوه بر این، دولت ایران، که پیش از این کارگران کارگاههای قالی بافی و کارگاههای زیر پنج و ده نفر را از قانون کار معاف کرده بود(ماده 30 قانون کار)، اکنون در پی این است که کلیه کارگران شاغل در قراردادهای موقت را از هر نوع پوشش تامین اجتماعی محروم کند.

کارگران ایران، محروم از تشکلهای مستقل کارگری بارها شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری بوده‌اند. قوانینی که مغایر مقوله‌های بین‌المللی سازمان جهانی کار هستند.

ما بار دیگر بر همبستگی خود با آمال مشروعتان تاکید میکنیم و با همکاری کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد، ICFTU، پیشرفت مسائل در ایران را تعقیب خواهیم کرد.

علاوه بر این، ما از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم حق کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل و آزاد خود را به رسمیت بشناسد و اجرای آن را تضمین کند.

در همبستگی

کنث جرجتی،

پرزیدنت

رونوشت به:

مسئولین و معاونین اجرایی کنگره کار کانادا

کمیته اجرایی کنگره کار کانادا

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران ایران (IASWI)

گای رایدر، دبیرکل، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد

وزارت کار و امور اجتماعی ایران

## محیط های ناامن کار و مرگ کارگران

بایرام، جان خود را از دست داد.

روزانه دهها و صدها حادثه تلخ و ناگوار در محیطهای کار رخ میدهد و سالیانه صدها کارگر به علت ناامنی محیطهای کار جان خود را از دست میدهند. آمار سوانح کاری در ایران چنان بالاست که تقریباً امری طبیعی تلقی میشود. قصور کارفرماها به علت هزینه‌بر بودن تامین استانداردهای لازم جهت تامین ایمنی کارگران در محیطهای کار عامل اصلی تمامی این سوانح است. در نظام سرمایه‌داری پایین آوردن هزینه‌های تولید برای تامین حداکثر سود سرمایه‌داران حتی اگر به قیمت جان صدها و هزاران انسان تمام بشود مهم نیست، مهم تضمین حداکثر سودآوری سرمایه است.

روز شنبه 83/12/15 یکی از کارگران لوله رانی شرکت لوله‌سازی لوشان به نام بهرام حکمی (بایرام) 29 ساله ساکن اکبر آباد اسلامشهر به هنگام کار در لوله‌گذاری شبکه فاضلاب شهر رشت دچار سانحه شده و جان باخت. بهرام حکمی کارگری بود که در شماره مهر ماه بولتن کارگری شورا در مطلبی تحت عنوان کوتاه، واقعی در محیط کار به نام بایرام از او یاد شده بود، او انسانی شریف و سرزنده بود. دوستانی اگر شماره مهر ماه بولتن را خوانده باشند حتماً بایرام را به خاطر می‌آورند و با او آشنا هستند، آن مطلب واقعی بود، مرگ وی نیز بر اثر سانحه کاری واقعی‌تی بس دردناک است که عرق شرم را بر پیشانی انسان قرن 21 جاری میکند. در عصری که تکنولوژی پیشرفته همه ابزارهای لازم را جهت تامین ایمنی محیطهای کار فراهم آورده است روزانه دهها بایرام سرزنده و دوست‌داشتنی به علت اینکه سرمایه‌داری، برای تامین حداکثر سودآوری خویش، از بکارگیری استانداردهای پیشرفته و امروزی در محیط کار خودداری میکند جان میدهند، این تنها گوشه‌ای از رذالت و کثافت سرمایه‌داری برای بشریتی است که در عصر انفورماتیک و پیشرفتهای غول‌اسای تکنولوژی زندگی میکنند. به نظر ما روابط و مناسبات غیر انسانی سرمایه‌داری عامل مرگ بایرام‌هاست، ما ضمن محکوم کردن این وضعیت، با اظهار تأسف عمیق از این حادثه به خانواده ایشان، همکاران و سایر پرسنل شرکت لوله‌سازی لوشان تسلیت گفته و خواهان تامین ایمنی محیطهای کار با بالاترین استانداردهای امروزی هستیم. تامین امنیت کارگران در محیطهای کار یکی از اولیة‌ترین حقوق انسانی کارگران است که باید آنرا با فشار و اعتراض به وضعیت موجود تحمیل کرد.

## 16 روزی که بر ما و خانواده‌هایمان به سختی گذشت

شیث امانی

کمی بیشتر در باره شرایط کار و نتیجه اعتصاب کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج از زبان ما بشنوید.

کارخانجات نساجی کردستان، سهامی عام و وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان است که در حاشیه شهر سنندج در سال 1369 شروع به تولید نمود. این کارخانجات دارای دو سالن تولید ریسندگی و بافندگی و دیگر واحدهایی به نام جوشکاری و تراشکاری، واحد برق و بهداشت و انبارها و تاسیسات اداری میباشد که مجموعاً در سالهای شروع تولید تعداد 600 نفر کارگر جذب این کارخانجات گردید. عشق و علاقه کارگران بومی به کار، و انبوه کارگران بیکار باعث شد که مدیر وقت کارخانه مهندس آستینانی کارگران را با نازلترین قیمت به‌کارگیری نماید و مزایای شغلی را با حداقل آن به کارگران بدهد.

کارگران با تلاش و کوشش خود در تولید سبب گردیدند که این کارخانجات از نظر کمیت و کیفیت تولید به یکی از مهمترین کارخانجات کشور تبدیل گردد و هر ساله سوددهی یک‌میلیارد تومانی داشته باشد. ولی کارفرمایان همه در فکر تولید بوده و توجه به کارگران و مسائل بهداشتی و حقوقی آنها نمی‌نمودند و اگر کارگری معترض به این مسائل پیدا میشد بلافاصله اخراج می‌گردید. به طوری که این کارخانجات تا بحال سیصد کارگر اخراجی داشته که در بعضی موارد جایگزین آنها آمده یعنی فقط برای صد نفر جایگزین آمده است.

اگر کارگری به اداره کار مراجعه و شکایت می‌نمود حرف کارگران را قبول نمی‌کردند. میگفتند باید نماینده کارگر باشد و انجمن صنفی داشته باشید. کارفرما حتی راضی نبود که کارگران شورای اسلامی کار داشته باشند چون در سالهای اول تولید با این مشکل برخورد نموده بود که اعضای شورا خواهان حق و حقوق کارگران بوده، و بعد از هماهنگی لازم با اداره کار و اعضای آن اخراج می‌نمودند و منبعد اگر کارگری درخواست کاندیدای شورا مینمود بعد از مدتی اخراج می‌گردید. تا اینکه در سال 82 کارگران به صورت گروهی به اداره کار مراجعه نمودند و خواستار تشکیل شورا گردیدند و بعد از شش ماه رایزنی با مدیریت و اداره کار شورا تشکیل و انتخابات انجام گرفت. مدیریت کارخانه و عواملش در اداره کار، با آنکه انتخابات قانونی بود و صحت آن از طرف نمایندگان

اداره کار تایید گردیده بود بعد از چند روز با غیر قانونی اعلام کردن انتخابات و مردود شمردن آن اعلام کردند که انتخابات شورا در ماه آینده برگزار خواهد گردید.

اینبار کارگران با عصبانیت و درگیر شدن با مدیریت و اداره کار خواستار هر چه سریعتر برگزاری انتخابات شدند بنحوی که در این انتخابات 57 نفر از کارگران خود را برای کاندیداتوری شورا آماده کردند و با تمام تلاش و ترفندهای مدیریت و هماهنگی عواملی از اداره کار نتوانستند انتخابات را به تعویق بیاورند یا انجام ندهند. انتخابات کارگران نساجی در محیط سالم و کاملا دموکراتیک انجام گرفت نه مانند تعیین شورای سایر کارخانجات که عوامل مدیریت حتما در شورا نفوذ میکنند. اعضای این شورا همه از محبوبترین کارگران و آنهایی بودند که همیشه معترض به سیاستهای کارفرما بودند و انتخاب شدند.

با تشکیل شورا که همزمان با تعدیل نیرو در کارخانجات شروع به کار نمود اعضای شورا پس از اخذ اعتبارنامه از اداره کار و امور اجتماعی سریعاً ترکیب خود را به مدیریت اعلام و خواستار جلسه معارفه با مدیران و اعلام موجودیت کرد و در ساختمان اداری شروع به فعالیت نمودند.

سیاست شورا بر این بود که هرچه سریعتر سرپرستان سالن که فشار کار بر کارگران را زیاد میکردند کنار بزنند و هر چه سریعتر به فکر درمان کارگران بیمار و پیشگیری از امراض ناشی از کار و خواستار حقوق معوقه کارگران و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل گردد و آنرا در دستور خود بگذارد. مدیریت در جواب فشار مکاتبات شورا و اعضای شورا اعلام نمود، من نمیتوانم تمام ظلم و زورهایی که از دوران آدم و حوا به کارگران شده را یکماهه یا یکساله بردارم. مدیریت علیرغم تمام این مشکلات دست به تعدیل نیروی انسانی زد که بعد از چند جلسه از طریق کمیسیون کارگری با این ترفند که کارخانه زخم و جراحت برداشته و اگر زخم آن مداوا نشود کارخانجات تعطیل خواهد گردید، او گفت این کار نیاز دارد که 200 نفر کارگران این بخش اخراج شوند که بعد از شش ماه رایزنی موفق گردید که آنها را از کارخانجات بیرون نماید.

بعد از اخراج این عده زمان زیادی نگذشته بود که دوباره دست به تعرض زد و در پایان آبان ماه امسال قرارداد شش نفر از کارگران را تمدید نکرد.

از آنجا که به برنامه‌های اعضای شورا و اداره کار اعتنا نمی‌نمودند و اعضای شورا دیگر نمی‌توانست کاری انجام دهد و همه از قانون شکنیهای مدیران عاصی شده بودیم و کارگران خود این مسئله را

درک نموده بودند. ما دیگر راه‌حلی پیدا نمودیم و به نیروی خود متوسل شدیم. مدیریت قبلا گفته بود دیگر ما بعد از این 200 نفر کسی را اخراج نمی‌کنیم ولی حرفهای دروغ آنها و وعده و وعیدهای آنان به پایان رسید و کارگران طی نامه به اعضای شورا نوشتند که ما از ظلم و زور و تعرض آشکار به حقوقمان دست به اعتصاب خواهیم زد و اعضای شورا هر چه سریعتر برای سازماندهی اقتصاد کارگران و قانونی شدن، اقدامات خود را شروع کردند و اعتصابات را با توجیهات کارگران در چهارچوب قانونی و در محل کار و با توصیه‌های لازم عملا رهبری آن را به عهده گرفتند. کارگران تکمیل خواسته‌های قانونی خود را به شورا منتقل و شورا خواسته‌های قانونی و بر حق آنان را به مسئولین و مدیران ذیربط منعکس نمودند که به خواسته‌های کارگران جواب دهند. مدیریت در ابتدای کار مثل همیشه به خواسته‌های کارگران بی‌اعتنا بود خیلی تند و با تهدید با اجتماع کارگران برخورد می‌نمود و طی بخشنامه و اطلاعیه خواستار شد هرچه سریعتر کارگران به سر کار برگردند در غیر اینصورت ترک کار برای آنان محسوب خواهد شد. این مسائل و بی‌توجهی مسئولین به این امر بیشتر کارگران را متحد نمود و کارگران در اتحاد و انسجام تحسین برانگیز دست از کار کشیده بودند و به طوری که تمام سالنهای تولید و قسمتهای جانبی و حتی کارگران خدماتی همه و همه با هم دست از کار کشیدند و تمام چرخهای کارخانه از حرکت ایستاد. مدیران در ابتدا به کارگران گفتند شما دستگاهها را استارت نمائید ما کارگران را به سرکار باز خواهیم گرداند و مشکلات شما را حل خواهیم نمود. ولی ما دیگر از وعده‌های کارفرما خسته شده بودیم و همه کارگران حرفهای مسئولان را به باد تمسخر گرفتند. اعتصابات روز به روز منسجم‌تر و متحدتر میشد و کارفرما هرروز با نقشه‌ای برای شکستن اعتصاب وارد میشد ولی در نهایت در پایان روز ناکام می‌ماند. مدیریت از هر طرف فشار روحی خود را مضاعف می‌دید و روز به روز خسته‌تر به نظر میرسید و دست کمک را به سوی مسئولین استان و دولت دراز مینمود. آنها طی جلساتی که با هم داشتند در آغاز به این نتیجه رسیده بودند که نباید به کارگران نساجی باج داد و میگفتند چند ماه اخیر برای چندین بار دست به اعتصاب زده و هر بار به نحوی توانسته‌اند از کارفرمای شرکت، حق و حقوق خود را مطالبه نمایند و این در میان کارگران این شرکت به صورت رویه غلطی درآمده است که امکان دارد به سایر بخشهای تولیدی و صنعتی نیز کشیده شود. آنان خواستار تهدید و زور و اجبار و برای شکستن اعتصاب بودند و میخواستند از نیروهای امنیتی استفاده شود و کارگران با

شنیدن اظهارات آنان در جلسات اعلام نمودند که اگر هر نیروی امنیتی بخواهد به زور و اجبار ما را وادار به کار نماید به آنها جواب تند خواهیم داد. مسئولین می‌فهمیدند که خواسته کارگران بر حق و صنفی می‌باشد و آنان برای احیای حقوق و مطالبات خود عقب نشینی نخواهند نمود، ناچار به مدیران و مسئولین کارخانجات فرصت مناسب داده بودند که در اسرع وقت مشکل کارخانجات حل شود. از طرف دیگر خبر اعتصاب کارگران نساجی در سطح شهر و استان به گوش مردم رسیده بود با اعلام حمایت و دلگرمی مردم همراه شد. طومارهایی از سایر شهرستانها و محیط‌های کارگری هر چه بیشتر شدن دلگرمی کارگران گردید و از طرف دیگر برخورد پاره‌ای از احزاب سیاسی بنحوی بود که مسیر اعتصاب را از صنفی بودن خود به طرف سیاسی سوق میداد و مسئولین شرکت از این امر خرسند بودند و بی‌میل نبودند که برای سرکوب کارگران از این راه که اعتصابات جنبه سیاسی پیدا نموده است استفاده نمایند. آنان با تشکیل جلساتی در استانداری فقط به دنبال دلائلی قانع کننده برای سرکوب کارگران بودند که با حرکتی هم اعتصاب کارگران را بشکنند، هم تعدادی از کارگران را اخراج نمایند و چنین وانمود کنند که کارخانجات نساجی ناامن است و سرکوب کردن این قشر ضعیف را از سر گیرند. اما مسئولین استان خوشبختانه دنبال اهداف کارفرما نیافتادند. در این راستا وظیفه نمایندگان کارگران اقتضا می‌نمود که هر چه سریعتر وارد عمل شوند و نگذارند از این اعتصابات سوءاستفاده

گردد. نمایندگان کارگران و شورا در این راستا می‌دیدند که ممکن است مسیر اعتصاب را عوض کنند، فوراً خواهان مذاکره گردیدند. در ورزشهای دوازدهم و سیزدهم اعتصاب، کارفرما حاضر نبود که هیچگونه خواسته کارگران را بر آورده نماید. ولی بعد نماینده اداره کار در کارخانجات نساجی در میان کارگران حاضر گردید و به کارگران اعلام نمود که از هر شیفت کاری کارگران میتوانند چند نماینده را انتخاب و در مجموع 20 نماینده کارگر با اعضای هیئت مدیره شورا جهت جلسه و گفتگو به اداره کار مراجعه نماید تا در مورد خواسته‌های بر حق شما رایزنی گردد. کارگران این اقدام را نوعی توطئه و تفرقه میان اعضای شورا و کارگران خواندند و آنان با نوشتن طومار به اداره کار نوشتند ما اعضای شورا را نمایندگان واقعی خود میدانیم و گفته‌های آنان گفته‌های ما 413 نفر کارگر نساجی می‌باشد. اعضای شورا که موقعیت را مناسب برای گفتمان دیدند طی نشست اضطراری اعضای شورا در میان خودشان به این توافق رسیدند که نباید ما کارمان را از دست بدهیم



و نگذاریم اعتصابات از مسیری که خود تعیین کرده‌ایم خارج شود. ما باید با آنان به توافق برسیم و برای حفظ کار در اولویت قرار داده و نباید اعتصاب به جایی برسد که توسط کارفرما و دولت شکسته شود. ما باید خودمان و کارگران مقتدرانه به اعتصاب پایان دهیم. جلسه که با حضور اعضای شورا و مدیران کل ادارات کار و صنایع و معادن و خانه کارگر و سایر مسئولین استان در ساعت 4 عصر روز پنج‌شنبه 17 دیماه برگزار گردید.

در اول جلسه کارفرما اظهار نمود نباید از اینکه ما در فشار روحی و تنگنا میباشیم خواسته‌ها و چیزهایی که در توان ما نیست و یا خارج از قانون و قانون کار میباشد بر ما تحمیل گردد ولی آنچه که در قانون کار میباشد ما حاضر به انجام آن خواهیم بود خواسته‌ها یکی یکی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

در مورد اخراجهای کارگران به این نتیجه رسیدند که منبعد هرگونه اخراج کارگر نساجی باید از طریق کمیسیون کارگری با شرکت نماینده کارگران اعم از یک نفر یا چند نفر صورت گیرد و تا زمانیکه اخراج کارگر از طریق کمیسیون کارگری نباشد اداره کار و کارفرما نمی‌تواند در مورد کارگران تصمیم‌گیری نماید. بنظر ما اعضای شورا این میتوانست تا حدودی امنیت شغلی برای کارگران فراهم نماید.

در مورد اخراج شش نفر کارگر قراردادی طبق مواد قانونی بحث به عمل آمد. طبق قانون کار جمهوری اسلامی پایان قرارداد برای کارگران از اختیارات کارفرما میباشد که بخواهد آن را تمدید قرارداد نماید یا ننماید ولی کارفرما اظهار نمود که بازگرداندن کارگران به کار امکان سوءاستفاده در سایر مراکز و کارخانجات تولیدی و صنعتی می‌گردد! پس از بحث زیاد با اعضای شورا بر این رسیدند که نباید این کارگران از طریق پایان قرارداد اخراج شوند چون سنوات هر سال خدمتی یک ماه برای آنها خواهد بود و بیمه بیکاری به آنها پرداخت نمی‌شود و کارفرما قبول نمود با ماهی سنوات سه‌ماه و برقراری بیمه بیکاری آنها را راضی و با آنها به تفاهم رسید البته اعضای شورا قبلا با کارگران اخراجی و سایر کارگران کارخانجات این بحث را نموده‌اند در صورتی که نتوانیم آنها را به سر کار برگردانیم کارگران با شرایط قابل قبول تری کارخانه را ترک کنند. علاوه بر آن تعهد دادند که حقوق ماه قبل ما را بدهند و دستمزد روزهای اعتصاب بلافاصله پرداخت شود.

در مورد بهداشت کار قرار شد یک هیئت ترکیب از بهداشت و علوم پزشکی بازرسی کار، نماینده شورا و مدیریت سریع تشکیل و عوامل غیربهداشتی را شناسایی و قسمتهایی که نیاز به حفاظ و ایمنی میباشد به ترتیب اولویت بندی و زمان بندی برای درست کردن آن اقدام نماید و آبدارخانه ها و رختکن ها و تهویه ها را سریعاً درست نمایند و آزمایشات دوره ای سالانه انجام و کارگران بیمار از طریق پزشکان تامین اجتماعی معالجه و هزینه آنها از طرف شرکت پرداخت شود.

در مورد سلف سرویس با مراجعه به قانون کار، کارفرما اظهار نمود که چون مسیر کارخانه باید پنج کیلومتر از شهر دور باشد و فاصله یک وعده غذا در شیفت بوجود آید. کارخانجات نساجی این دو امتیاز را ندارد و چون در زمان شروع به تولید و افتتاح در نظر گرفته شده است لذا سلف سرویس نمیتواند برای کارفرما اجباری باشد و در مورد افزایش حق ناهار گفت این مزایا آشکارا در قانون کار بیان شده که جزو اختیارات کارفرما میباشد که افزایش دهد و در قانون مبلغ همان حداقل پرداخت شده است ولی اصرار بر این شد که برای تقویت بنیه کارگران در تمام شیفتها و هر روز شیر و یک به کارگران داده شود و حق ناهار که در فیش پرداخت میشود دو برابر شود.

در مورد آیین نامه انضباطی، روابط کار متعهد شد در اسرع وقت آیین نامه انضباطی را اصلاح و تقدیم شورا و مدیریت نماید در مورد طبقه بندی مشاغل کارفرما موظف شد با همکاری شورا در اسرع وقت طبقه بندی مشاغل کارگران را انجام دهد.

اما در نتیجه آنچه که برای شورا و کارگران اهمیت داشت امنیت شغلی بود و ما تا حدودی به آن نزدیک شدیم. و آن این بود که در مورد اخراج کارگر تنها کارفرما و اداره کار نمیتوانند تصمیم بگیرند مگر زمانی که از کمیسیون کارگری استانداری رای موافقت گرفته باشند و این موافقت فقط در زمانی بدست می آید که خلاقی از کارگر محرز شده باشد و عواملی مانند تاخیر و غیره نمیتواند جریمه هایی مانند اخراج را در بر گیرد.

در مورد لغو کامل کار قراردادی موقت، مسئله اینست که کارگران نساجی سنگ بزرگی برداشته بودند که چند میلیون کارگر قراردادی پشت آن مانده بودند ولی ما یکباره میخواستیم آن را بالای سر برداریم. ما بمدت 15 روز پشت آن ایستادیم و انتظار داشتیم تمام کارگران قراردادی کشور پشت ما را خواهند گرفت و تا لغو قرارداد موقت از موضوع عقب نشینی نخواهند کرد اما متأسفانه

اینطور نشد اما ما با جسارت این سنگ را که همه فکر میکردند تکان نخواهد خورد، تکان داده‌ایم و آن را از جا کنده‌ایم.

در روزهای اول اعتصاب کارفرما اهمیتی برای آن قائل نبود و فکر میکرد بزودی میتواند اعتصاب را بشکند. او صدها ترفند و مکر و حيله بکار برد ولی نتوانست کارگران را بکار بکشد و اعتصاب را بشکند زمانی دانست که از این راهها به نتیجه نخواهد رسید مجبور شدند و خواستار مذاکره با نماینده‌های کارگران شدند. این شکوفایی پیروزی کارگران بود که بالاخره دولت و کارفرما مجبور شدند با کارگران به مذاکره بنشینند و آنچه خواسته کارگران که در قانون کار هم آمده است، تن دهند.

اعضای شورا با سربلندی به میان کارگران آمدند و با در دست داشتن صورت جلسه و قرائت آن برای کارگران کار در کارخانه دوباره آغاز شد و زندگی به حالت عادی برگشت. اما این 16 روز بر ما و خانواده‌هایمان به سختی گذشت و حالا هم داریم فکر میکنیم که آیا مدیریت اینقدر صداقت دارد که خواسته‌های ما را اجرا کند و زیر امضایش نزند. آیا به فرصت میدهد لحظه‌هایی را با دغدغه کمتر زندگی کنیم. ولی ما هشیار هستیم.

مدیریت و دیگران هرگز نتوانستند از ما ضعف بگیرند و بر علیه خود ما بکار گیرند. این تجربه خوبی است برای تمام کارگران محیط‌های صنعتی و تولیدی که اعتصاب را با توجه به اینکه در مفهوم ماده 142 قانونی هم میباشد دست بگیرند. کارگران هر زمان و برای هر نوع تحقق خواسته خود میتوانند دست به اعتصاب بزنند و باید کارگر از توانایی و وزنه خود استفاده نماید. زمانیکه اتحاد و یکپارچگی وجود داشته باشد هر کسی که ضد کارگر باشد در حضور او زانو میزند و آن زمان است که قدرت کارگر ظاهر میشود و مظهر قدرت در جامعه تلقی میگردد. این را کارگران نساجی در بدترین شرایط به مدت 15 روز انجام دادند و با توجه به اتحاد و یکپارچگی کارگران و رهبری صحیح، تهدیدات و فشارها مؤثر واقع نشود.

ما کارگران نساجی شعار اتحاد، اتحاد را سر میزنیم و به تمام کارگران ایران میگوئیم که برای تحقق خواسته‌ها و مبارزه با کارفرمایان سودجو، اتحاد و اعتصاب را در دستور کار قرار دهند و این را رمز پیروزی بدانند.

**پیروزی کارگران نساجی سنندج رابه همه کارگران این کارخانه تبریک میگوئیم**

## اعتصاب حق ماست      جعفر عظیمزاده

در نظام سرمایه‌داری و روابط و مناسبات حاکم بر آن، آفرینندگان اصلی ثروت، خود از نعماتی که بدست خویش می‌آفرینند بی‌بهره‌اند، سهم آنان از تولید انبوه ثروت در این نظام به جز فقر و بدبختی پایان‌ناپذیر چیز دیگری نیست، سهمی که از قبالتولید ثروت در نظام سرمایه‌داری در اختیار کارگران قرار می‌گیرد فقط به اندازه‌ایست که آنان را قادر می‌سازد تا نیروی کار از دست رفته خویش را در پروسه تولید، جهت فروش دوباره آن به صاحبان سرمایه باز تولید نمایند و اگر کارگران به هر دلیلی قادر به فروش نیروی کار خویش نباشند (در پایه‌ای‌ترین سطح، دلیل این امر هم ناشی از نیاز سرمایه به لشکر ذخیره بیکاران جهت پایین نگاه داشتن دستمزدها برای تضمین سودآوری خویش است)، جامعه سرمایه‌داری هیچگونه مسئولیتی در قبال زندگی و معیشت آنان ندارد. وجود میلیاردها انسان گرسنه و مرگ‌سالیانه میلیون‌ها تن از آنان در نتیجه سوء تغذیه و گرسنگی مطلق در عصر وفور نعمت و تولید انبوه نتیجه طبیعی حاکمیت چنین مناسباتی بر زندگی و مقدرات بشر است.

این وضعیت وارونه یعنی بی‌بهره‌گی تولیدکنندگان اصلی ثروت از نعمات مادی‌ایی که خود آفریننده‌اند اساس همه مصائب انسانها و مبنای تمامی کشمکشهای اجتماعی در نظام سرمایه‌داریست. در تحت این شرایط وارونه و کشمکشهای دائمی حاصل از آنست که پدیده‌های اجتماعی‌ایی مانند حق تشکل، اعتصاب و... برای کارگران معنا پیدا میکنند و به اهرمی کارآمد جهت مقابله و رو در رویی آنان با مشقات تحمیل شده بر زندگی و معیشتشان، تبدیل میشوند، چرا که تمامی امکانات و اهرمهای اعمال قدرت در جامعه، از قبیل نهاد دولت، قوانین، نیروی پلیس و...، بدلیل مالکیت سرمایه‌داران بر ابزار تولید در اختیار صاحبان سرمایه است و کارگران برای حل بنیادی این وارونگی و یا به حداقل رساندن آن هیچ ابزاری به جز سازمانیافتگی طبقاتی و استفاده از اهرم اعتصاب در اختیار خود ندارند.

از این رو و بنا به این دلایل است که پدیده اعتصاب در جنبش کارگری عمری به درازای پیدایش و تولد طبقه کارگر دارد. همزاد کار مزدی و سنگر کارگران در دفاع از حق حیاتشان است، دژ مستحکم و کارآمدترین ابزار کارگران در برابر یورش هر روزه و وحشیانه نظام سرمایه‌داری به زندگی و معیشت طبقه کارگر است. سالهاست که کارگران در اکثر کشورهای جهان با مبارزات متحدانه خود آنرا به سیستم ضد انسانی سرمایه‌داری تحمیل نموده‌اند، به عبارت دیگر نظام سرمایه‌داری در این کشورها حق اعتصاب را به میل و اراده خود به کارگران نداده بلکه این امر یکی از دستاوردهای درخشان مبارزه طبقه کارگر و محصول رو در رویی‌ها و فشار بی‌امان جنبش کارگری به نظام سرمایه‌داری بوده است، بطوریکه امروزه حق اعتصاب یکی از حقوق اولیه، برسمیت شناخته شده و مسلم کارگران در سطح جهان محسوب میشود. با اینحال در عموم کشورهای که سودآوری و انباشت سرمایه در آنها به نیروی کار ارزان متکیست و کارگران با نیروی قهر و سرکوب دائمی در جهت تضمین حداکثر این سودآوری خاموش نگه داشته میشوند، حق اعتصاب همچنان در سطح یک مطالبه باقی مانده است. در ایران شعار اعتصاب حق ماست بیان مطالبه‌ایست که سالهاست در مناسبتها و اعتراضات مختلف کارگری همچنان در کنار دیگر مطالبات سرکوب شده کارگران در صدر خواسته‌های آنان مطرح شده، نه تنها به عنوان یک مطالبه بر حق و سرنوشت‌ساز در صدر خواسته‌های کارگران مطرح شده بلکه کارگران تا آنجا که توانسته‌اند با وجود ممنوعیت اعتصاب آنرا به کارفرمایان و وضعیت موجود تحمیل کرده‌اند و با توسل به آن در مواردی به برخی از مطالبات بر حق و انسانی خویش دست یافته‌اند. اعتصاب اخیر کارگران نساجی سنندج یکی از نمونه‌های موفق اینگونه اعتصابات بود که بمدت 15 روز ادامه داشت و طی آن کارگران به برخی از مطالبات بر حق و انسانی خویش دست یافتند.

واقعیت اینست که در جامعه ما در کنار دست‌اندازی هر روزه به سفره خالی کارگران و به فلاکت کشاندن زندگی آنان، حق هر گونه دفاعی نیز در برابر این وضعیت غیر انسانی از کارگران سلب گردیده است. در چنین شرایطی کارگران هیچ راهی جز تحمیل مطالبات بر حق خویش به وضعیت موجود ندارند. در این راستا حق تشکل و اعتصاب محور اصلی تحقق هر گونه مطالبه کارگریست و سنگ بنای امکان هر گونه دفاعی از طرف طبقه کارگر در برابر وضعیت موجود می‌باشد. به عبارت دیگر: اگر ما کارگران حق تشکل و اعتصاب می‌داشتیم صاحبان سرمایه به راحتی قادر به تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر، قراردادهای موقت و بدتر از آن قراردادهای سفید امضای موقت و... به ما نمی‌شدند، اگر ما حق اعتصاب می‌داشتیم قادر می‌شدیم هرگونه دست‌اندازی صاحبان سرمایه به بدیهی‌ترین حقوق انسانیمان را براحتی عقب برانیم و آنان قادر نمی‌شدند حتی رویای اینهمه تهاجم به زندگی و معیشت ما کارگران را در مخیله خویش پروراندند، چه برسد به اینکه قادر میشدند اینهمه مشقت و بی‌حقوقی را بدون آنکه آب از آب تکان بخورد به زندگی ما تحمیل کنند. چنین است فلسفه مطالبه حق اعتصاب از طرف طبقه کارگر.

باید به این وضعیت خاتمه داد، باید حق تشکل و اعتصاب به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین حقوق قانونی کارگران به رسمیت شناخته شود. واقعیت اینست که این حق به خودی خود به رسمیت شناخته نخواهد شد، باید آستین‌ها را بالا زد و قویا خواهان به رسمیت شناخته شدن حق تشکل و اعتصاب شد و آنرا در صدر مطالبات کارگری قرار داده و به کرسی نشاند. تنها در اینصورت است که طبقه کارگر به یکی از اساسی‌ترین مطالبات خویش - که در واقع سنگ بنای تحقق دیگر مطالبات انسانی آنان است - دست خواهند یافت.

## اعتصاب حق ماست

## ایلو نعل خوشبختی کارگران فرزانه دارابی

در آستانه عقب نشستن جناح رفرم خواهانه که با موج استیضاح‌ها درز گرفته شد، اصلاحات سیاسی و امید به آن برای همیشه می‌رود که با چرخه حوادث طبیعی و گذر سیارات هر چند صد سال یکبار یکی شود تا آنجا که ضرورت آن جایش را به توسعه اقتصادی بخشیده، این توسعه که با چهارچوبی نئولیبرالیستی دورنمایی نویدبخش و چشم‌نواز را موجه میدانند، به انگیزه دولت رفاه، آکادمیک‌تر و منسجم‌تر از گذشته، خط‌مشی خودش را با دولتهای قاره شیک (اروپا) هماهنگ می‌سازد تا با هدف جذب سرمایه‌های خارجی و داشتن سهمی از بازار جهانی، دست پیش را بگیرد و توانایی‌های ملی توسعه را بالفعل کند.

با تفاعلی به کارنامه اقتصادی توسعه محور رژیم گذشته، شاید بتوان گفت که ریشه تلاش برای بیرون آمدن از انزوای اقتصادی به گونه‌یی همان برنامه‌های ترقی خواهانه حزب مترقی نخست وزیر هویدا و رشد سرسام‌آور صنعت مونتاژ است. با این تفاوت که حزب مترقی تکنوکراتهایی به این اندازه پرحرارت را در پیرامون خود نداشت. نئولیبرالیسم مکتبی با شکل‌گیری و قوام روزافزونی تلاش دارد تا با حذف مواد قانونی پس از گذشت سی سال کارنامه‌اش را زنده کند، از جمله تبعات این اندیشه حذف مواد قانونی و منجمد کردن هرچه بیشتر ظرفیتهای قانونیست که روزگاری شارحان قانون کار جمهوری اسلامی به آن مباحثات می‌کردند و حال بر سر حذف موانع توسعه برای مثلث کردن همان قوانین لابی‌های آشکار و پنهان ترتیب می‌دهند تا موانع اقتصادی را هرچه سریعتر پیش از آنکه شمشیر صاعقه فرود آید از پیش‌رو بردارند، پیامد این فعالیتها بحرانهایی است که در آستانه ماه‌های سرد زمستان فصل تازه‌ای از اعتراضات کارگری را بدنبال داشته، اعتراضاتی که به مدد رانت‌خواریه‌ها و یارانه‌های نفتی تاکنون کتمان می‌شود. آن روی سکه تعاملات اقتصادی لیبرالیسم مکتبی، کشورهای قاره شیک ایستاده‌اند که روز به روز با وضع

قوانین جدید مهاجرت و شمول بیمه‌های اجتماعی مضاف به قوانین سخت‌گیرانه محیط زیست در فشار قرار گرفته‌اند. و رقابت جهانی سرمایه را واگذار میکنند. بدیهی است که در این گیرودار مسیونرهای امروزی در هیات اقتصاددانان جوامع بورژوازی با همان لابی‌های مجلس نشین مرآده بیشتری داشته باشند تا جایی که حتی از دیدگاه مطبوعات و تحلیل‌گران اقتصادی هم پوشیده بماند. وجود نیروی کار ارزان و متخصص، منابع انرژی و معادن زیر بنایی از سنگ گرفته تا سوخته‌های فسیلی که با هزینه کمتری راهش به محصولا تبدیل و پتروشیمی گشوده میشود برای اقتصاد کشورهای اروپایی که از رقابت با کالاهای تایوانی هم عاجز شده غنیمتی است در خور، علاوه بر آن تلاش لیبرالیسم مکتبی برای بقای موجودیت و حذف موانع قانونمند توسعه در غیاب تشکلات آزاد کارگری و عقیم گذاشتن ظرفیتهای قانونی، فشار روزافزون برای تعدیل و اخراج نیروی کار ارزان نگه داشته شده برای سرمایه‌داری جهانی ستودنی است.

خلاء تشکلهای آزاد و استیصال روزافزون خانه کارگر و وزارت کار شرایطی را فراهم کرده تا کارگران در جستجوی منافع عمومی خود راهکارهای نوینی را تجربه کنند، یکی از این ابداعات تجربه جمع‌آوری امضا در اعتراض به نمایندگان سازمان جهانی کار (ILO) است که خود را در غیاب تشکلهای غیردولتی برای مذاکرات در سطوح بالا با کارگزاران ایرانی آماده کرده است، این تجربه سکوت سترون بیست و چندساله کارگران را میشکند و آنها را به نیروی خود آگاه میکند. در حالیکه کارگران ایران از حق داشتن تشکلهای خودجوش محرومند ماده 136 از بخش اول قانون کار تاکید دارد تمامی نمایندگان رسمی کارگران جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی کار، هیات‌های تشخیص، هیات‌های حل اختلاف، شورای عالی تامین اجتماعی، شوراهای عالی حفاظت فنی و نظایر آن، حسب مورد توسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب خواهد شد. این



نمایندگان رسمی تاکنون با چه سیستمی در این سازمانها کارگران را نمایندگی میکردند، با استفاده از کدام اهرم اقتداری حضور چندین ساله خود را در سطوح فوق توجیه میکنند؟ سازوکارهای گزینش دمکراتیک آنها به عنوان نماینده طیف وسیعی از شهروندان ایرانی چگونه فراهم میشود؟ علی‌رغم این مسائل کارگران به شیوه دمکراتیک و مدنی اعتراضات خود را آغاز کرده‌اند و بر آنند تا حصول ظرفیتهای واقعی قوانین، پیگیری تشکلات آزاد کارگری را دنبال کنند، ضرورت به وجود آوردن چنین تشکلاتی جدا از سندیکاها و مراکزی که به نحوی تحت سیادت دولت اداره میشوند، حیاتی‌ترین بخش از خواسته‌های کارگران است که در این موقعیت حساس دست به دست شدن بنگاه‌های اقتصادی، میتوانند خلاء اعمال نفوذ و تصمیم‌گیری را از طریق مجامع عمومی جبران نمایند.

طومار اعتراضی و علنی کارگران به سیاست‌گذارانی که در نلانشند برای پیوستن هر چه سریعتر به تجارت جهانی سرمایه، بر نارسایی‌ها و اعمال نفوذهای پدرسالارانه سرپوش بگذارند، شرایطی را فراهم کرده تا جنبش کارگری ایران پس از سالها از سایه بیرون بیاید تا نارساستیها و ضعفهای خود را آشکار کند و قدرت خویش را برای رویارویی با مسائل مهمتر جهانی که در خاورمیانه در شرف وقوع است به آزمون بگذارد. مثلث بوجود آورنده ilo که شامل نماینده سرمایه‌داران و دولتها و کارگزاران جهانی است، برای مواجهه نمودن مقابله‌نامه‌ها و انعقاد آنها با هر کشوری، مختار است تا هر چه بیشتر بر ضرورت وجود تشکلهای آزاد کارگری پافشاری کند که بتواند از این رهگذر دست کم اتحادیه‌های کارگری اروپا را مجاب نماید که انتقال سرمایه در روند جهانی‌سازی و کوچ به مناطق عقب‌نگه داشته شده، حداقل معیشت کارگران اروپایی را به مخاطره نمی‌اندازد، با توجه به آنچه در این مقال گنجانیده شده باید به انتظار حوادثی نشست که کارگران ایرانی را برای حصول نتایج این مرحله از همگرایی خود حول محور اعتراض به ilo گرد آورده است.

## فاجعه دستمزدها جمیل محمدی

“امروز بدنبال دریافت دستمزد سال 58 هستیم”

این سخنان از زبان به اصطلاح نماینده کارگران در شورای عالی کار بیان شده است. به قول ایشان دستمزد سال 58، شصت درصد هزینه های خانواده کارگران را تامین میکرد. وی اضافه می کند کارگران امروز دستمزدی برابر با 60 درصد دستمزد سال 58 را دریافت می کنند و ما امروز بدنبال همان میزان سال 58 هستیم. (روزنامه کار و کارگر 3 اسفند 83)

این اظهار نظر یک مقام رسمی است که ضمن اشاره به یک شاخص مهم، به یک حقیقت تلخ اعتراف می کند. طی 25 سال گذشته بهبودی در وضعیت اقتصادی کارگران ایجاد نشده که هیچ، از آنچه که در گذشته بوده نیز بدتر شده است. حالا این هزینه های عمومی چه هستند و چه “تخفیفهایی” شامل آن شده و توقعات و نیازهای کارگر سال 83 با کارگر سال 58 چه میزان فاصله دارد، خود داستان دیگری است. لابد بنظر “نماینده کارگران”، کارگران باید فرض کنند تاریخ از حرکت باز ایستاده و ما همچنان در سال 58 هستیم و تازه باید برای رسیدن به حداقل دستمزد سال 58 مبارزه کنیم.

در سال گذشته خلاء سبد زندگی خانوار و حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار 100 هزار تومان اعلام شد و چون دولت “نتوانست” آن را بپردازد، قرار بر این شد که طی برنامه چهارم توسعه هر ساله یک چهارم این مبلغ بعلاوه میزان تورم اعلام شده به کارگران پرداخت شود. که این هم محقق نشده و انتظار می رود شورای عالی کار با آن موافقت کند. (همان 20 بهمن 83) البته شورای عالی کار حاضر به اعلام تصمیمی در این باره نشده است.

و البته برای کشمکش بر سر سهم خواهی صاحبان و نمایندگان سرمایه از ثمره تلاش کارگران به تشکیل نشست و تصمیم گیری احتیاجی نیست اما چایی که نمایندگان کذایی کارگران قرار است قیمت نازلی برای کار او در نظر گرفته و بر سر آن با نمایندگان و صاحبان سرمایه به توافق برسند باید از هفت خوان رستم گذر کرده و تازه بعد از وصول توافق نیز هیچ ضمانت اجرایی وجود ندارد و وعده های آنان سال به سال بدست فراموشی سپرده می شود تا دستمزد کارگران در پایان سال 83 به مقدار 60 درصد دستمزد سال 58 برسد. ظاهراً افزایش دستمزد بایستی دو هدف را دنبال کند یکی کاهش تاثیرات تورم بر زندگی کارگران و دیگری تامین حداقل نیازهای معیشت کارگر و

خانواده اش . اما در طول سالهای دراز سپری شده به هیچ کدام از این دو هدف توجهی نشده و وقیحانه به زندگی فقیرانه و زیر خط فقر کارگران و زحمتکشان تاخته اند. افزایش دستمزد سالیانه نه تناسبی با سطح تورم داشته و نه جوابگوی توقعات و نیازهای روز افزون کارگران بوده است. بطوری که بر اساس برخی اظهار نظرهای رسمی و غیر رسمی قدرت خرید کارگران 20 الی 30 برابر نسبت به سالهای اول انقلاب کاهش پیدا نموده است.

امروزه امنیت و تامین از هر نظر برای سرمایه مہیاست و هزار و یک جور نازش را می کشند و “موانع” پیشرفتش را از سر راه بر می دارند . تنها زندگی و موجودیت کارگر است که هیچ تضمین و تامینی ندارد و هر روزه توسط سرمایه لگد مال می شود . شکی نیست که نباید هیچ توهمی نسبت به خیرخواهی سرمایه و بذل توجهش به کارگران داشته باشیم . وضعیت حاکم بر زندگی کارگر و مناسبات دیکته شده بر او ، مربوط به بنیانهای نظام موجود است و ربطی به نیت و خواست صاحبان و نمایندگان سرمایه ندارد. دستمزد کارگر و کلا سطح معیشتش بستگی مستقیم به درجه توانایی این طبقه در دفاع و حفاظت از منافعش دارد . توازن قوای طبقاتی است که سهم کارگر را از ثمره تولید که خود آفریننده آنست را تعیین می کند. هر جا که سرمایه زورش به کارگر برسد حقوقش را پایمال می کند و هر جا کارگران بصورت متشکل و متحد با سرمایه روبرو شده اند توانسته اند بخشی از حقوق خود را باز پس بگیرند و سرمایه داران را وادار به عقب نشینی کنند. . کارگران ایران نمی توانند هر ساله منتظر باشند که از بالای سر آنها و بدون حضور خود و نمایندگان حقیقیشان در مورد مسائل عمومیشان از جمله دستمزد تصمیم گرفته شود در شرایط حاضر و در فقدان اتحادیه ها و سازمانهای کارگری ، کارگران ایران به نهاد یا تشکلی نیاز دارند که خواسته های عمومی و فراگیر آنها را مورد پیگیری قرار داده و بعنوان یک مرجع کارگری آنها را نمایندگی نماید و بر سر حقوق و مطالباتشان چانه زنی نماید. علاوه بر آن ، با اتکاء به پشتیبانی توده ای کارگران ، اجرای تعهدات توسط سرمایه داران و دولت مورد حمایتشان را تضمین کند. کارگران بایستی خود در برپایی آن تشکل شرکت کرده و در مقیاس وسیعی از آن تشکل حمایت بعمل آورند.

## یک حزب کارگری انگلس جلد 19 صفحه 277-279

چقدر دوستان و علاقه مندان ما، هشدار دادند که: (از سیاستهای حزبی دور بمانید) و تا حدی که قضیه مربوط به سیاستهای حزبی کنونی انگلستان میشود، کاملا حق با آنها بوده است. یک حزب کارگری اجازه ندارد که نه از ویگها و نه از توریها، نه از محافظه کاران و نه از لیبرالها، طرفداری کند و حتی اجازه ندارد که به مفهوم حزبی امروزی، حتی رادیکال هم باشد. محافظه کاران، لیبرالها، رادیکالها، همه اینها مدافع منافع طبقات حاکمه میباشند و نظریات گروههای مختلفی از مالکین زمین، سرمایه‌داران و تجار کوچک بر آنها مستولی میباشند. اگر آنها نمایندگی طبقه کارگر را بعهده بگیرند، بطور کاملا مسلم بغلط و بنحو بدی آنها را نمایندگی خواهند کرد. طبقه کارگر چه از نظر سیاسی و چه از نظر اجتماعی دارای منافع خاص خود میباشد. تاریخچه اتحادیه‌های کارگری و جنبش تقلیل ساعات کار، نشان دهنده آن است که چگونه کارگران برای این منافع خاص طبقه کارگر کوشش میکنند و چه چیزهایی را مصالح اجتماعی خود تلقی مینمایند. ولی مصالح سیاسی خویش را تقریبا بطور کامل بدست توریها، ویگها و رادیکالها یعنی وابستگان به طبقه بالا می‌سپارند و از تقریبا یک ربع قرن پیش طبقه کارگر انگلیس فقط به این فناعت کرده است که به اصطلاح دنباله روی حزب لیبرال بزرگ باشد.

چنین روش سیاسی‌ای برازنده طبقه کارگر- که بهترین تشکیلات را در اروپا دارا میباشد- نیست. در سایر کشورها کارگران بمراتب فعالتر بوده‌اند. آلمان از دهسال پیش دارای یک حزب کارگری میباشد. سوسیال دمکراتها که در رایشتاک ده کرسی دارند و با رشد خود، بیسمارک را به حدی دچار وحشت کرده‌اند که او مجبور شده است به ننگین‌ترین اقدامات ظالمانه - که ما در مقاله دیگری در باره آن گزارش دادیم- دست بزنند. اما علیرغم بیسمارک -حزب کارگر آلمان مرتبا پیشرفت میکند. از جمله همین هفته قبل در انتخابات انجمن شهر مانهایم (شهری در جنوبغربی آلمان) شانزده کرسی بدست آورد و یک نماینده به مجلس ایالتی ساکسن فرستاد. در بلژیک، هلند و ایتالیا به نمونه آلمان تاسی جسته‌اند و در هر یک از این کشورها یک حزب کارگری وجود دارد، گرچه آرا انتخاباتی این کشورها بقدری بالاست که در حال حاضر شانسی برای اعزام نمایندگانی به هیئت‌های مقننه موجود نمیباشد. در فرانسه جریان ساختمان حزب طبقه کارگر در وضع کنونی بشدت ادامه دارد و اخیرا در چندین انتخابات محلی، حائز اکثریت شده است و در انتخابات عمومی

اکتبر آینده بدون شک تعدادی کرسی بدست خواهد آورد. حتی در آمریکا نیز که انتقال افراد از طبقه کارگر به طبقه کشاورزان، تجار و یا سرمایه‌داران هنوز نسبتاً به سادگی صورت می‌گیرد، کارگران لازم میدانند که در یک حزب مستقل متشکل گردند. در همه جا کارگران برای بدست آوردن قدرت سیاسی و برای نمایندگی طبقه خود در هیئتهای مقننه مبارزه میکنند. در همه جا، بجز بریتانیای کبیر، با وجود این، در انگلستان آگاهی هرگز به اندازه امروز- که احزاب قدیمی محکوم به زوال شده‌اند و شعارهای قدیمی بی‌معنی گشته و وسایل جهانشمول قدیمی تاثیرات خود را از دست داده‌اند- اشاعه نیافته است. مردان خرمدند تمام طبقات شروع به درک این مطلب کرده‌اند که راه جدیدی باید طی شود و این راه فقط میتواند در جهت دموکراسی باشد. البته در انگلستان که طبقه کارگر صنعتی و کشاورزی، اکثریت عظیم خلق را تشکیل میدهند، دموکراسی چیزی جز حکومت طبقه کارگر نیست.

بگذارید طبقه کارگر خود را برای وظایفی که در انتظار اوست آماده سازد، آماده برای حکومت بر امپراطوری بزرگ بریتانیا، بگذارید آنها با مسئولیتی که اضطراباً بعهده‌شان خواهد بود، آشنا شوند و بهترین راه برای این امر قدرتی است که در اختیار دارند یعنی اینکه اکثریت واقعی‌ای را که در هر شهر بزرگ امپراطوری سلطنتی دارا میباشند برای آن مورد استفاده قرار دهند که افرادی را از میان صفوف خود به مجلس بفرستند با حق انتخاباتی که در حال حاضر برای اولیا خانواده‌ها وجود دارد، به سهولت میتوان چهل یا پنجاه کارگر را به مجلس- که نیاز مبرمی به یک چنین خون حیات بخش تازه‌ای دارد- فرستاد. تنها وجود همین تعداد کارگران در پارلمان، کفایت که تبدیل تدریجی لایحه ارضی ایرلند به غول ارضی ایرلند را (منظور تشابه کلمات بیل (لایحه) و بول (غول) در زبان انگلیسی است- همانطور که در حال حاضر جریان دارد- غیر ممکن سازد یعنی آنکه نگذارد بصورت یک قانون جبران خسارت برای مالک ایرلندی در آید و همچنین غیر ممکن خواهد شد که با مطالبات مربوط به تقسیم جدید کرسیهای پارلمان، مجازات شدید رشوه دانهای انتخاباتی، تامین مخارج انتخابات بوسیله دولت- همانطور که همه جا در خارج از انگلستان مرسوم است- و غیره و غیره، مخالفت گردد.

از این گذشته بجز حزب کارگر، هیچ حزب دموکرات واقعی‌ای نمیتواند در انگلستان وجود داشته باشد. افراد آگاه طبقات دیگر (که ضمناً تعدادشان بهیچ وجه به آن اندازه که میخواهند به ما

بقبولانند، زیاد نیست) میتوانند به این حزب ملحق شوند و بعد از آنکه شواهدی برای صداقت خود ارائه دادند، آنوقت حتی میتوانند نماینده آنها در پارلمان بشوند. این در همه جا مصداق دارد مثلا در آلمان نماینده کارگران، در تمام موارد کارگر واقعی نیستند. اما هیچ حزب دموکراتیکی نمیتواند در انگلستان یا هر کجای دیگر، چنانچه یک حزب کارگری نباشد و خصلت طبقاتی قاطع نداشته باشد، بموقعیت‌های مؤثری نائل آید. تخطی از این امر نتیجه‌ای جز گروه‌گرایی و حقه بازی در بر نخواهد داشت.

این موضوع در مورد انگلستان حتی بیش از خارج مصداق دارد. متاسفانه از زمان از هم پاشیده شدن اولین حزب کارگری در تاریخ -یعنی حزب چارتیستها- رادیکالها به اندازه کافی حقه بازی کرده‌اند. البته چارتیستها با ناکامی مواجه شدند و موفقیتی کسب نکردند. ولی آیا واقعا چنین است؟ از شش ماده چارت (منشور خلق) دو ماده آن یعنی حق رای مخفی و سرشماری‌ایکه بر اساس وضع مالی افراد نباشد -کنون در این کشور بصورت قانون در آمده‌اند و ماده سوم -یعنی حق رای عمومی- بصورت حق رای برای اولیا خانواده‌ها- لاقلا تا حدودی تحقق پذیرفته است و ماده چهارمی یعنی برابری حوزه‌های انتخاباتی بعنوان یکی از رفرمهایی که دولت کنونی وعده آن را داده است در شرف اجراست. به این ترتیب از هم پاشیده شدن جنبش چاتیستی با تحقق نیمی از برنامه آن توأم بود. وقتی صرفا خاطره تشکیلات سیاسی قبلی طبقه کارگر، توانسته است موجب این رفرمهای اجتماعی بشود، پس در این صورت اگر یک حزب کارگری سیاسی و علاوه بر آن یک ردیف رفرمهای اجتماعی بشود، پس در این صورت اگر یک حزب کارگری سیاسی واقعا وجود داشته باشد که چهل یا پنجاه نماینده در مجلس داشته باشد، آنوقت چه تاثیری خواهد گذاشت؟ ما در دنیایی زندگی میکنیم که در آن هر کس باید زندگی خودش را اداره کند ولی طبقه کارگر انگلیس به طبقات مالکین، سرمایه‌داران و خرده فروشان و وابستگان آنها یعنی وکلای دادگستری، روزنامه نویسان و غیره اجازه میدهد که نماینده منافع او باشند. اگر رفرمهای متضمن منافع کارگران فقط با این کندی و فقط با این وضع فلاکتبار قطره قطره بوجود می‌آیند، جای تعجبی وجود ندارد. کارگران انگلستان فقط باید بخواهند و آنوقت است که قدرت آن را خواهند داشت که هر رفرم سیاسی و اجتماعی‌ایرا که وضع آنها ایجاب میکند، به مورد اجرا در آورند. پس چرا این کوشش بعمل نیاید.

### کوتاه از زبان آمار رسمی تهیه و تنظیم: جمیل محمدی

• براساس گزارش توسعه جهانی 2005 که 20 دسامبر 2004 از سوی بانک جهانی منتشر شد، 7/3 درصد جمعیت ایران که حدود 5 میلیون نفر می شود با کمتر از 50 هزار تومان در ماه زندگی می کنند. بر اساس همین گزارش دو در صد از جمعیت ایران ( به عبارتی 1.4 میلیون نفر ) با کمتر از 25 هزار تومان در ماه به حیات خود ادامه می دهند. گزارش مذکور اضافه می کند که 20 درصد جمعیت ثروتمند ایران ده برابر 20 درصد جمعیت فقیر ایران هزینه و درآمد دارند.

• یک متخصص روانشناسی بالینی اعلام کرد که 21 درصد جامعه ایران مبتلا به اختلالات روانی هستند. سیما فردوسی پور عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی گفت: فشارهای محیط کار، شدت گرفتن فعالیتهای روزمره و فقدان مهارتهای اجتماعی نقش مهمی در بروز اختلالات روانی دارد. فقر اقتصادی و فرهنگی و پیچیدگی های جوامع صنعتی و در حال توسعه در بروز این اختلالات روانی نقش اساسی دارند.

• یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفته است 1.5 میلیون کارتن خواب در کشور وجود دارد. عباسپور نماینده ارومیه در مجلس اضافه کرد: بر اساس گزارشهای ارائه شده روزانه 5 نفر از آنها هلاک می شوند. از سوی دیگر وزارت رفاه اعلام نموده که تنها یک میلیون نفر در کشور در فقر شدید بسر می برند!

• نشریه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه "میز" طی تحلیلی از وضعیت بیکاری در ایران نوشت: در صورتی که همین میزان رشد بیکاری در ایران حفظ شود، 52 درصد جوانان 15 تا 29 ساله بیکار خواهند بود. این نشریه جوان بودن بیکاران، طولانی مدت بودن زمان بیکاری، بالا بودن نسبت زنان بیکار، بیسواد یا کم سواد بودن 43 درصد شاغلین فعلی و نیز غیر ماهر بودن 76 درصد بیکاران را بعنوان 5 مشخصه هشدار دهنده برای بیکاری در ایران بر می شمارد.

• مدیر کل دفتر آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی از رشد سالانه 15 درصدی آسیبهای اجتماعی در کشور خبر داد. وی اضافه کرد در مقابل کنترل رشد آسیبهای اجتماعی و ارائه خدمات 300 درصد افزایش داشته است!

• به گفته معاون اجتماعی سازمان بهزیستی بر اساس بررسی های کارشناسانه وضعیت اقتصادی 1/5 میلیون زن سرپرست خانواده که سرپرستی 6 میلیون نفر را به عهده دارند بحرانی است. 30 درصد از این زنان به حمایت های اقتصادی و عاطفی جدی هستند. وی از تشکیل 410 شعیه تعاونی با هدف "توانمند سازی و خود اتکایی" زنان خود سرپرست خبر داد.

• یک عضو کمیته کشوری مبارزه با ایدز اعلام کرد که در طی سه ماه گذشته رشد ابتلاء به بیماری ایدز 10 برابر شده و در صورت ادامه این روند این میزان رشد بیماری در سال آینده بصورت تصاعدی 100 برابر خواهد شد. وی آمار مبتلایان شناخته شده را در سه ماه گذشته 7500 نفر و آمار فعلی را 10 هزار نفر اعلام کرد

## اخبار کارگری ایران تهیه و تنظیم: جمیل محمدی

**83/11/1**

• 40 کارگر شاغل در یک مرکز سازمان سنجش و آموزش کشور واقع در مشکین دشت کرج اخراج شدند. این کارگران از یک تا چهار سال سابقه کار داشته و بصورت قراردادی در این مرکز مشغول بکار بودند. در سالهای گذشته نیز 127 نفر از این کارگران اخراج شده بودند. و در حال حاضر 300 نفر در این مکان کار می کنند.

**83/11/2**

• 800 کارگر معدن ذغال سنگ البرز غربی در پی واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و شانه خالی کردن کارفرمای سابق = شرکت ملی فولاد= از تسویه حساب سنوات کارگران، دست از کار کشیدند. این کارگران از 5 تا 35 سال سابقه کار در این شرکت هستند. این کارگران قبلاً بوسیله نامه نگاری به کارفرما، نهادهای و مسئولین دولتی خواسته خود را مبنی بر تسویه سنوات خدمتی در میان گذاشته بودند. تعداد کارگران این معدن از 3600 نفر به 800 نفر کاهش پیدا کرده است.

**83/11/3**

• 500 نفر از کارگران نساجی فومنات به تعویق حقوق تا 11 ماه خود اعتراض نمودند. این کارگران جاده اصلی رشت = فومنات را بستند. در پی آن یگان ویژه ضد شورش نیروی انتظامی و لباس شخصی ها به محل رسیده و به درگیری و ضد و خورد با کارگران پرداختند. طی این درگیری 6 تن از کارگران زخمی و دو تن از آنان راهی بیمارستان شدند. این شرکت به بخش خصوصی واگذار شده و شمار کارگران آن از 1200 نفر به 535 نفر کاهش پیدا کرده است.

**83/11/5**

• نمایندگان کارخانجات صنعتی پارس مینو با نمایندگان کارفرما، اداره کار، استانداری و شورای تامین استان و نیز فرمانداری مذاکرات خود را شروع کردند. گفته شده که این مذاکرات 15 روز بطول خواهد انجامید. ضرب الاجل کارگران روز 18 بهمن ماه به پایان می رسد و پس از آن خواسته های کارگران مبنی بر حق سنوات و تامین حقوق در مراجع قانونی خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار می گیرد.

**83/11/6**



• کارگران نساجی خوی اعتصاب نمودند. این کارگران مدیران کارخانه را از محل کار بیرون کرده و با ارسال نامه ای به فرمانداری خوی متذکر شدند تا رسیدن به خواسته های خود دست از اعتصاب و تحصن نخواهند کشید. نساجی خوی پس از واگذاری به بخش خصوصی انواع پاداشها را لغو ، مرخصی ها را کاهش داده و قراردادهای موقت کار را به مدتهای معین محدود کرده است . نامنی محیط کار ، نامشخص بودن وضعیت سهام کارگران ، بی توجهی نسبت به معیشت و مسکن کارگران و استهلاک ماشین آلات و عدم توجه مدیران و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از جمله مواردی هستند که مورد اعتراض کارگران قرار گرفته است.

• 15 کارگر کارخانه حریر سازان قائم شهر 15 ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. این کارگران بخشی از مجموع 120 کارگری هستند که بیش از یک سال پیش در پی به ورشکستگی کشاندن آن کارخانه بازخرید شدند ، اما به خواسته کارفرما مبنی به بازخرید شدن تن ندادند و هر روز بر سر کار خود حاضر می شوند اما از آن زمان حقوقی دریافت نکرده اند.

### 83/11/7

• مرکز پژوهشهای مجلس طرح اشتغال موقت بیکاران که اخیرا طرح کارورزی و اشتغال نام گرفته بود را در شرایط حاضر غیر قابل اجرا و موجب تضییع حقوق کارگران دانسته و آنرا رد کرد.

• فرمانده ناحیه انتظامی گیلان در رابطه با خبر درگیری ماموران نیروی انتظامی با کارگران نساجی فومنات و ضرب و شتم آنها اظهار نظر نموده و گفت : در تجمع کارگران هیچ کسی دستگیر و یا زخمی نشده است. وی اضافه کرد : ما همیشه در اعتراضات و تجمعات کارگری طرفدار کارگران هستیم و درمقابل کارگران نمی ایستیم.

• 300 کارگر کاشی حافظ واقع در استان فارس بموجب بند 9 قانون نوسازی و بازسازی صنایع اخراج می شوند.

• کارگران ذوب رکود خراسان 3 ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. این کارخانه متعلق به بخش خصوصی است و یکصد کارگرشاغل در این کارخانه بصورت قراردادی استخدام شده اند.

### 83/11/13

• یکی از کارگران نساجی فومنات بعلت فقر و بدهی خود را در محل کارخانه حلق آویز کرد . اما خوشبختانه یک کارگر همکارش بموقع از این حادثه آگاهی پیدا کرد و با بریدن طناب او را از مرگ نجات داد.

83/11/14/

- کارفرمای کارخانه صابون و گلیسیرین سازی یاس واقع در خرمشهر در پی اعتصاب کارگران این کارخانه با معرفی کردن 90 نفر از مجموع 130 کارگر رسمی آن شرکت بعنوان اخلاک‌گر و نیروی مازاد، قصد اخراج آنها را دارد و روند اخراج سازی را از 6 بهمن ماه شروع کرده است.
- کارگران کارخانه علاء الدین با تجمع در محل کارخانه خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. در این کارخانه 370 کارگر مشغول بکارند و در حالی که انبارهای شرکت از کالاهای تولید شده انباشته است حقوق کارگران معوق مانده است.
- 600 کارگر چینی هیس 6 ماه است بلاتکلیفند. کارخانه چینی هیس از 6 ماه پیش به بهانه تغییر کاربری و تولید موقتا تعطیل شده اما تا کنون هیچ اقدامی برای بازسازی آن صورت نگرفته است. همچنین کارگران چینی ماه نشان 6 ماه است حقوقی دریافت نکرده اند.

83/11/25

- جمعی از معلمان حق التدریس در اعتراض به عدم استخدام خود در وزارت آموزش و پرورش در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. به موجب قانونی که مجلس به تصویب رسانده مدت خدمت سرباز معلمی جزء سنوات خدمت محسوب نمی شود و در نتیجه 90 درصد معلمان حق التدریسی از یک شرط اداره آموزش و پرورش برای شرکت در آزمون استخدامی که 4 سال سابقه کار در آموزش و پرورش است محروم می شوند.
- 160 کارگر کارخانه کفش گام بدنبال اعلام انحلال کارخانه از سوی کارفرما، در مقابل بانک کارآفرین واقع در خیابان ظفر تهران دست به تجمع اعتراضی زده و با حمل پلاکاردهایی از جمله “انحلال کفش گام کلاهداری است” به منحل شدن کارخانه اعتراض کردند. مدیر عامل این بانک از سهامداران عمده این کارخانه است .

83/11/28

- حدود 50 هزار کارگر شاغل در منطقه عسلویه بوشهر 6 ماه حقوق معوقه دارند. به گفته عیسی کمالی “ نماینده کارگران بوشهر” در حال حاضر 26 شرکت پیمانکاری از انجام تعهدات خود در قبال کارگران خودداری می کنند
- 520 کارگر معدن مس میناکان 13 ماه است حقوقی دریافت نکرده اند.

• کارگران شرکت اکسیژن بالن ساوه ، با تجمع در محل خانه کارگر ساوه ضمن اعتراض به عملکرد کارفرما و تعطیلی غیر موجه کارخانه ، خواستار پرداخت 7 ماه حقوق معوقه خود شدند.

• بیمارستان ایران با حدود 10 سال سابقه از پرداخت حقوق 155 پرستار و خدمه خود خودداری می کند . کارکنان این بیمارستان 6 ماه اضافه کاری و 2 ماه حقوق دریافت نکرده اند و با شبی 200 تومان کار می کنند .

83/12/2

• اعتصاب کارگران معدن البرز غربی-واحد سنگرود- بیش از یک ماه است که ادامه دارد . قرار است که فرماندار ، رئیس اطلاعات ، فرمانده نیروی انتظامی و نماینده مجلس این منطقه با کارفرمای این معدن ملاقات کنند تا بکار پیمانکار این معدن پایان داده و کارگران بتوانند دوباره بر سر کارشان بازگردند.

83/12/5

• کارگران کارخانه قطعات فولاد کرج 4 ماه حقوق معوقه دارند. این با وجودی است که کالاهای ساخت این کارخانه بازار فروش خوبی دارد

• شماری از کارگران پیربکران اصفهان - کارخانه تهیه و تولید مواد معدنی - با تجمع در مقابل واحد تولیدی به واگذاری کارخانه به بخش خصوصی اعتراض نمودند. 524 نفر در این کارخانه مشغول بکارند.

• 150 کارگر کفش گام پس از ماهها کشمکش با کارفرما سرانجام با تعطیلی کارخانه اجبارا بازخريد شدند. 23 نفر از کارگران شاغل در این کارخانه که بصورت قراردادی استخدام شده بودند مشمول توافقات انجام شده مبنی بر دریافت حق سنوات و بازخریدی نمی شوند.

83/12/6

• کارگران کارخانه تخته سه لایی شهید رجایی در مقابل استانداری مازندران اجتماع نموده و به تعطیل شدن کارخانه و معلق بودن خود اعتراض کردند. برخی از این کارگران سابقه 20 سال و بالاتر کار در این واحد را دارا می باشند و در حال حاضر از بیمه بیکاری استفاده می کنند و یا بازنشسته شده اند.

83/12/8

• کارکنان بیمارستان مهدیه کرمانشاه که شمار آنها به دهها تن می رسد ، 3 ماه است ته حقوقی دریافت نکرده اند. تلاش این کارگران با وجود پیگیری های مکرر هنوز به نتیجه نرسیده است. کارگران بهمن سیلور در اعتراض به پرداخت نشدن پاداش و مزایای خود دست به تجمع زدند . این کارگران با اشغال حراست و انتظامات کارخانه از ورود مدیران این کارخانه به شرکت جلوگیری کردند.

83/12/11

• کارگران شاغل در “ گیل سدید “ مهاباد بدنبال عدم پرداخت 4 ماه حقوق خود در محل خانه کارگر گرد هم آمده و به تعویق حقوق خود و نبود امنیت شغلی و قراردادهای موقت و سفید امضاء اعتراض کردند.

83/12/12

• کارگران کارخانه کنف کار رشت بیش از دو ماه حقوق معوقه دارند . این کارگران که تعداد آنها 250 نفر می باشد ، هنوز عیدی و پاداش سال 82 را دریافت نکرده اند. این کارگران روز دهم اسفند ضمن تجمع در محل کارخانه به تعطیلی کارخانه به بهانه بارش برف معترض شدند.

83/12/13

• گروهی از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی بارش اصفهان به نمایندگی از 230 کارگر این کارخانه در مقابل بنیاد مستضعفان و جانبازان اجتماع نموده و به عدم پرداخت حقوق خود معترض شدند. تا کنون یکهزار کارگر این کارخانه که متعلق به بنیاد مستضعفان است مشمول تعدیل نیرو و اخراج شده اند.

83/12/15

• 7 هزار کارگر کشت و صنعت مغان در آستانه اخراج قرار گرفته اند. این کارگران 5 ماه است حقوقی نگرفته اند. مدیریت کشت و صنعت مغان تصمیم به تعطیل کردن این واحد تولیدی و واگذاری آن به بخش خصوصی دارد.

• 160 نفر از پرسنل بیمارستان علی ابن ابی طالب مشهد ، 5 ماه است حقوقی دریافت نکرده اند.

اضافه کاری سالهای 81 و 82 به کارکنان این بیمارستان پرداخت نشده است و مدیریت این بیمارستان خواهان تعطیلی آن شده است.

83/12/20

- جمعی از کارگران غار آبی سهولان مهاباد اخراج شدند. غار سهولان یک مکان توریستی است.
- کارگران کارخانه نوشابه سازی "صنعت طوس" 4 ماه حقوق معوقه دارند. تمام 70 کارگر این کارخانه قراردادی هستند و در ازای ماهیانه 60 هزار تومان کار می کنند.
- کارگران شرکت آدنیس مشهد - سازنده لوازم خانگی - با تجمع در مقابل فرمانداری مشهد ، به پرداخت نشدن حقوق و مزایای خود اعتراض کردند. این کارگران 2 ماه حقوق معوقه دارند. دراین کارخانه 150 کارگر مشغول بکارند.
- 90 نفر از کارگران بهمن پلاستیک در مقابل وزارت کار اجتماع نموده و خواستار دریافت حقوق و مزایای خود شدند. آنها خواستار ملاقات به وزیر کار شده و ماموران نیروی انتظامی با آنها درگیر شدند.

83/12/22

- شرکت "چینی حمید" قم 2 ماه است از پرداخت حقوق 400 کارگر خود خودداری می کند. همچنین دو هزار کارگر نساجی ایران ترمه و نیز تهران پتوی قم ، دو ماه حقوق معوقه دارند.

#### اخبار کارگری جهان

- روزچهارم ژانویه اتوبوسداران بولیوی بدنبال اعلام تصمیم دولت مبنی بر قطع سوبسید سوخت و افزایش قیمت آن ، با مسدود نمودن خیابانها اعتصاب کردند. پس از این اقدام مردم و اصناف بولیوی نیز به اعتصاب پیوستند.
- روز دهم ژانویه اعضاء اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری قبرس در اعتراض به نازل بودن دستمزد و مزایای کارگران دست به اعتصاب 24 ساعته زدند. کارگران قبرس خاطر نشان کردندکه در صورت عدم اقدام دولت برای حل مشکلات آنان دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.
- کارگران شرکت پست فرانسه در اعتراض به تهدید امنیت شغلی خود ، شرایط بد کار و نبود فرصتهای شغلی ؛ روز 18 ژانویه دست به اعتصاب زدند. آنان از حضور در سر کار خود خودداری کرده و تعدادی از دفاتر پستی نیز حرکتهای اعتراضی نمایشی از خود نشان دادند. 20 درصد از

کارگران پست فرانسه از این اعتصاب سراسری حمایت نمودند. همچنین بخشهایی از کارگران و کارمندان شرکتهای راه آهن ، برق و گاز فرانسه به این اعتصاب پیوستند.

• روز 22 ژانویه هزاران نفر از کارگران و بازنشستگان در شهرهای روسیه و جمهوری های تابعه آن ، با برگزاری تظاهرات گسترده به سیاستهای اقتصادی دولت روسیه اعتراض کردند. کارگران با حمل تصاویر لنین و پرچمهای سرخ در مسکو خواستار برکناری دولت و رئیس جمهوری شدند. در دیگر شهرها نیز خواهان لغو قانون جدیدی شدند که بر اساس آن امتیازات اجتماعی لغو و بجای آن مستمری ناچیزی پرداخت می گردد.

• 27 ژانویه دهها هزار معلم زامبیایی در اعتراض به حقوق و دستمزد پایین و عدم دریافت حق مسکن تظاهرات کردند. رئیس اتحادیه معلمان گفت در این تظاهرات سراسری 48 هزار معلم شرکت دارند و تا زمان رسیدن به مطالباتمان آنرا ادامه خواهیم داد.

• 29 ژانویه 400 کارگر شرکت اتومبیل سازی فیات ایتالیا در شهر تورینو در اعتراض به قرار داد این شرکت با شرکت ایرانی بنیان توسعه پارس که امنیت شغلی آنها را تهدید می کند ، دست به اعتصاب زدند. عقد این قرارداد همزمان است با خبر تعطیلی یک خط تولید شرکت فیات در ایتالیا.

## روابط کالایی در خانواده برگرفته از نشریه دانشجویی خاک

نظام خانواده و روابط اجتماعی بین اعضای آن در جوامعی که سرمایه‌داری بر آن حاکم است بر پایه روابط اقتصادی بین آنهاست که این رابطه نابرابر باعث بهره‌کشی از زنان و کودکان و بردگی آنها میشود. خانواده نهادی اجتماعی است که دارای کارکردی مختص خود در این نظام اقتصادی است و بدون داشتن نظری جبرگرایانه باید گفت، نظم موجود سعی میکند نیازها و ضرورت‌های خود را در نهاد خانواده باز تولید کند. نظام سرمایه بدنبال سود است و برای رسیدن به این هدف از مقوله‌هایی مثل مذهب، سنت، قانون، عرف، فرهنگ و... استفاده میکند و با مهارتی تمام، این مؤلفه‌ها را چنان در تمامی ارکان زندگی مردم که تحت سیطره آن هستند نفوذ میدهد که انگار این عناصر اجزای جدا نشدنی زندگی بشر و ازلی و ابدی‌اند. مرد سالاری و پدر سالاری (یکی از همین مؤلفه‌هاست) که در تمامی جوامع زیر نفوذ سرمایه‌داری با شدت و ضعف وجود دارد. صاحبان سرمایه و سود از مردسالاری، از وابستگی و انقیاد زن توسط مرد، از پایین بودن و زیر دست بودن زن نفع میبرند. اگر زن برابر و هم سطح مرد باشد اگر نیاز و وابستگی به مرد نداشته باشد، سودی که قرار است از وجود کارخانجات عظیم تولید لوازم آرایش، پوشاک و زیورآلات و... به جیب سرمایه‌داران رود، چه میشود؟ اگر زن جنس دوم نباشد پس چه بهانه‌ای وجود داشته باشد تا بوسیله آن زنان نیروی کار ارزان باشند. اگر زن فرودست نباشد چه توجیهی وجود داشته باشد برای کار سخت آنها در بدترین شرایط و محروم بودنشان از هر گونه امکانات بهداشتی و استاندارد در کارخانه‌ها و کارگاهها و هزارو یک اگر دیگر که همه و همه ثابت کننده این مسئله است که عدم برابری زن و مرد یکی از ضروریات بقای نظام کثیف سرمایه‌داری است. علت ریشه‌ای بسیاری از نابرابریها و مسائل زنان را در همین نظام و در مفهوم کالایی شدن زن باید یافت و این مسئله است که با وجود بسیاری از برابریهای حقوقی و سیاسی در غرب باعث میشود بسیاری از مسائل زنان حل نشده باقی بماند. در نظام خانواده نیز که مهمترین عرصه برقراری روابط بین زن و مرد است این رابطه نابرابر نمود و تجلی بسیار دارد و مرد سالاری و بهره‌کشی از زنان از ویژگیهای جدایی ناپذیر خانواده در این جامعه سرمایه‌داری است. در این نظام روابط اقتصادی بین اعضای خانواده همه چیز را تحت الشعاع خود قرار میدهد، تمامی روابط عاطفی و انسانی بین افراد تابعی از نوع رابطه پولی و اقتصادی میان

آنهاست. در حقیقت دیگر انسانیتی وجود ندارد، همه چیز لگدمال شده و مورد سوءاستفاده سرمایه و سود قرار گرفته است.

اما میتوان خود را از این منجلاب سرمایه‌داری بیرون کشید، میتوان و باید انسانیت و عاطفه و رابطه طبیعی بین زن و مرد را نجات داد. آرمان ما جدا کردن هرگونه رابطه پولی و علت اقتصادی از روابط میان انسانها و دور انداختن آنها و طبیعی و انسانی کردن این ارتباط است.

(رابطه مرد با زن طبیعی‌ترین رابطه انسان با انسان است این رابطه نشان میدهد که چقدر رفتار طبیعی انسان، انسانی‌تر شده است، چقدر طبیعت انسانی‌اش طبیعت او شده است) مارکس

((هماهنگی ابتدایی بین انسان و طبیعت(در کمونیسم اولیه) تضادشان در طول تاریخ (تاریخ مالکیت خصوصی و مبارزه طبقاتی) و آشتی نهایی آنها در کمونیسم حقیقی همه در رابطه زن با مرد نمود می‌یابند)) عوامل تعیین‌کننده نقش زنان-دایاناکو - فصل زنان شمار 4 در جامعه آینده میتواند یکی از شکلهای برقراری ارتباط میان دو جنس، خانواده باشد- شاید دیگر نتوان از آن با نام خانواده یاد کرد- در این شکل ارتباط هیچ قید و بند اقتصادی بین اعضا وجود ندارد و افراد نه به خاطر تامین نیازهای اقتصادی خویش و از سر اجبار بلکه آزادانه و برای ارضای نیازهای عاطفی خویش و بودن در کنار کسانی که دوستشان دارند، تشکیل زندگی مشترک میدهند. پس رابطه بین دو جنس میتواند به شکلی وجود داشته باشد که هیچ بهره‌کشی و انقیادی نیز در کار نباشد. در ضمن اینکه هر کسی حق دارد که شیوه زندگی خود را انتخاب کند و حریم خصوصی خود را داشته باشد. در این جامعه ایدئولوژی حاکمی وجود ندارد تا همه افراد بر اساس آن ایدئولوژی به یک شکل خاصی زندگی کنند و عرف و قانون دست و پای آنها را ببندد و البته باز هم با ذکر این نکته که در این جامعه هیچکس نمیتواند دیگری را استثمار کند. همه آدم‌ها فارغ از جنسیت، سن، نژاد و... حق زندگی دارند.



